





فصلنامه تخصصی ویژه نقد و هابیت - پیش شماره - سال اول / فروردین ۱۳۹۰

❁ صاحب امتیاز: مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع)

❁ مدیر مسؤول: مهدی مکارم شیرازی

❁ سردبیر: روح الله فروغی

❁ مدیر داخلی: سید محمد اخلاقی

❁ ویراستار: ابوالقاسم آرزومندی

❁ حروفچین و صفحه‌آرا: سید اکبر موسوی

❁ طراح جلد: علی ناصری


یادآوری:

- ✓ از مقاله‌هایی با رویکرد نقد و هابیت، جهت چاپ در نشریه، استقبال می‌شود.
- ✓ درج مقاله‌ها الزاماً به معنای تأیید آنها از سوی مجله نیست.
- ✓ مجله در ویرایش و تلخیص مقاله‌ها آزاد است.
- ✓ نقل و اقتباس از مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز می‌باشد.
- ✓ متن اصلی مقاله‌های ترجمه شده، ضمیمه گردد.

نشانی: قم - خیابان شهداء (صفائیه) - نبش کوچه آمار - پلاک ۶۱۸


تلفکس: ۰۲۵۱ - ۷۷۴۰۷۲۹


فهرست مطالب:

۵...  (مدظله العالی): رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی
به محققان مؤسسه دار الإعلام

۹ ...  (دامت برکاته) مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی

اهداف و برنامه‌های مؤسسه دار الإعلام در گفتگو با:

حجت الاسلام مهدی مکارم شیرازی  ... ۱۹

۲۵ ...  ضرورت‌های نقد و هابیت

محمد کرمانی کجور

۳۹ ...  پیامبر و هابیت

سید مجتبی عصیری

۵۳ ...  مَنْ هُوَ الْمُخْتَلَقُ الشَّيْعَةُ أَمْ الْوَهَابِيَّةُ؟

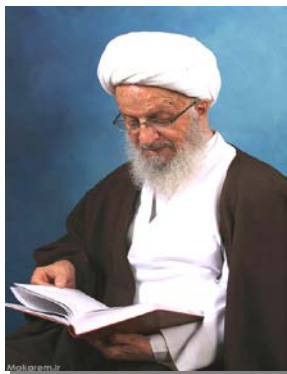
فیصل العلیاوی

۷۱ ...  جنگ نرم

سید سلمان هاشمی

۸۷ ...  معرف کتابخانه تخصصی ویژه و هابیت

۸۹ ...  معرفی کتاب



(مدظله العالی)

رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

به محققان مؤسسه «دارالإعلام لمدرسة اهل البيت (ع)»

در تاریخ اسلام هیچ مشکلی مانند وهابیت ضربه به حیثیت مسلمین جهان نزده است. خشونت فوق العاده و بی سابقه آنها، کشتن افراد بیگناه و حتی

کودکان شیرخوار به صورت وحشتناک، به طرز انتحاری و غیرانتحاری، از مسلمین و غیر مسلمین بدون هیچ علت و دلیل معقول، یا تنها به این دلیل که برای غیر خودشان «حق حیات» قائل نیستند، آن گونه چهره اسلام را در نظر جهانیان دگرگون ساخته که شعار اسلام آئین رحمت و محبت است برای بسیاری از آنها باور کردنی نیست!

این مصیبتی است عظیم برای مسلمانان دنیا که باید برای آن چاره‌ای بیندیشند، باید علما و دانشمندان اسلام گردهم آیند، از یک سوء جدایی این گروه را از تعلیمات اسلام و قرآن آشکارا اعلام کنند و از سوی دیگر تا می‌توانند برای ارشاد و راهنمایی این فریب‌خوردگان بکوشند. و به یقین اگر یک کار دسته‌جمعی در این دو محور انجام گیرد مؤثر خواهد بود و چهره اسلام را در نظر جهانیان دگرگون خواهد ساخت.

قرآن مجید، پیامبر اسلام (ص) را به عنوان *رحمة للعالمین*^۱ معرفی نموده (در وسعت واژه عالمین دقت کنید) و در قرآن صدها بار سخن از رحمت الهی به میان آمده، در نمازهای یومیه همه روز بیش از شصت بار خدا را به صفت رحمت توصیف می‌کنیم، تا تخلق به رحمت را در وجود خود نیز تجربه نمائیم. با این حال چرا و چگونه ممکن است کسانی نماز و قرآن بخوانند و آن همه

بنابراین وظیفه همه اندیشمندان آگاه دلسوخته اسلامی اعم از حوزوی و غیر حوزوی این است که آنها را از محیط محدود فکری و اشتباهات روشن در فهم مفاهیم اسلامی، مفاهیمی همچون «توحید و شرک» و «بدعت» و «توسل» و «شفاعت» و... بیرون آورند که هم خدمتی برای نجات آنها و از آن مهم‌تر نجات اسلام است.

خشونت وحشتناک را از خود بروز دهند، این تناقض از کجا روی داده است؟ حقیقت این است که این گروه حتی عالمان آنها - آن‌گونه که در کتابهایشان دیده‌ایم و از سخنانشان شنیده‌ایم - اطلاع بسیار کمی از قرآن و حقیقت تعالیم اسلام دارند و افکار و اندیشه‌های خشونت‌بار و تفرقه‌اندازشان از همین جا سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین وظیفه همه اندیشمندان آگاه دلسوخته اسلامی اعم از حوزوی و غیر حوزوی این است که آنها را از محیط محدود فکری و اشتباهات روشن در فهم مفاهیم اسلامی، مفاهیمی همچون «توحید و شرک» و «بدعت» و «توسل» و «شفاعت» و... بیرون آورند که هم خدمتی برای نجات آنها و از آن مهم‌تر نجات اسلام است.

در همین راستا گروه «دارالاعلام لمدرسة أهل البيت»: برای کمک به این هدف مهم تشکیل یافته و جمعی از فضلا و فرهیختگان حوزوی دامن همت به کمر زده‌اند که دائرة المعارفی گسترده برای پاسخ به تمام شبهات آنها و افراد مشابه آنها از طرق علمی و با آموزه قرآنی *(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)* به وجود آورند، هر چند شبهات آنها محدود است و در دایره کوچکی جمع می‌شود اما چون آنها را به لباس‌های گوناگون در هزاران سایت که به برکت دلارهای نفتی بعضی از کشورهای عربی راه‌اندازی شده، مطرح می‌کنند، باید پاسخ

۱. انبیاء، آیه ۱۰۷.

داده شود، متأسفانه شبهات آنان مانند «کمربندهای انفجاری» آنهاست که کاری جز تخریب خود و دیگران ندارد.

در اینجا لازم می‌دانم چند توصیه به این گروه از فضلا داشته باشم:

۱. سعی کنید حتی الامکان از مدارک دست اول استفاده کنید.
 ۲. روش شایسته قرآنی را که همان (جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) است در تمام مباحث به کار گیرید و اگر طرف مقابل لحن نامؤدبانه یا توهین‌آمیز دارد، شما کاملاً مؤدبانه بحث کنید و بر اعصاب خود مسلط باشید.
 ۳. ساده نویسی و شفاف سازی را حتی در مسائل پیچیده علمی به کار گیرید.
 ۴. سنت پیغمبر اکرم(ص) را در تعامل با دشمنان - تا چه رسد به دوستان - فراموش نکنید، و همزیستی مسلمانان را با اختلاف مذاهبی که داشتند در طول تاریخ اسلام برای آنها تشریح کنید تا بدانند در هیچ زمانی هرگز این خشونت‌ها و کشت و کشتارهای بیرحمانه و وحشیانه و اختلاف‌افکنی و ایجاد جو نفرت در میان مسلمین وجود نداشته است و این خود بدترین و زشت‌ترین «بدعت» است که وهابیان از آن می‌هراسند.
 ۵. مخصوصاً آنها در فهم مفاهیم اسلامی گرفتار اشتباهات عجیبی هستند، این مفاهیم را با استناد به کتاب و سنت مورد قبول همه، برای آنان روشن سازید.
- اینجانب به سهم خود از همه شما عزیزان تشکر می‌کنم و به زحمات شما ارج می‌نهم و تصورم این است که همین مجموعه آغازین، می‌تواند نشانه‌ای برای اهداف والایتان باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ناصر مکارم شیرازی

حوزه علمیه قم

بهمن ماه ۱۳۸۹



(دامت برکاته)

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی

اشاره:

حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی قزوینی از محققین و فضایی حوزه علمیه قم که مدیریت مؤسسه تحقیقاتی ولیعصر(عج) و شبکه ماهواره‌ای ولایت را برعهده دارند. وی یکی از پیشگامان مهم عرصه مبارزه با وهابیت و پاسخ به شبهات به شمار می‌رود. ایشان به رغم مشاغل مختلف، زحمت مصاحبه‌ای را در همین خصوص با این نشریه پذیرفتند که در ذیل مطالعه خواهید نمود:

□ ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار نشریه تخصصی سراج منیر جهت گفتگو قرار داده‌اید، همان‌گونه که مستحضرید مؤسسه دارالاعلام لمدرسه اهل البیت(ع)، با رویکرد دفاع از حریم اهل البیت(ع) و مبارزه با هجمه‌های وهابیت تأسیس شده است. با توجه به تجربه طولانی مدّت حضرتعالی، خوانندگان نشریه را در این زمینه بهره‌مند سازید:

■ امروز، وهابیت از همه امکانات و شیوه‌های مدرن خویش برضد شیعه استفاده می‌کند. در عرصه اینترنت بیش از چهل هزار سایت اینترنتی در اختیار دارند و با امکانات بسیار گسترده به میدان آمده‌اند. در یکی از سایت‌های خود با نام fnoor.com حدود چهل هزار کتاب و مقاله ضد شیعی گذاشته‌اند. شنیده

شده، /میر نایف - ولیعهد عربستان - هزینه مالی این سایت را پرداخت می‌کند. البته خود فیصل نور هم از شخصیت‌های متمول و سرمایه‌دار عربستان است. در حوزه ماهواره‌ای، آمار ارائه شده از سوی دانشگاه امیر کبیر، نشان می‌دهد سیصد ماهواره در حال تولید برنامه بر ضد شیعیان هستند. از نظر کتاب و جزوه نیز وضعیت مشخص است. برخی از کتاب‌ها مثل *الشیعه و التصحیح* تیراژهای فراوانی دارند. در سال ۱۳۸۷ این کتاب در تیراژ ده میلیون چاپ و در کشورهای اسلامی توزیع شده است؛ در حالی که اصل کتاب ظاهراً مجعول است.

بنده در یک ماه رمضان که به مکه مشرف شده بودم، بازدید هفت ساعته از مرکز فرهنگی وهابیت به نام «*رابطه العالم الاسلامیه*» داشتم. تعجب‌آور است که آنها در تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، دفتر و نمایندگی دارند و کارهای تبلیغی وسیعی می‌کنند و برای پیشبرد اهداف خود کارهای خدماتی مانند ساخت و احداث بیمارستان، یتیم‌خانه و امثال اینها دارند، حتی یکی از مسئولین آنها ادعا می‌کرد که: «ما در سازمان ملل متحد، عضو مراقب داریم! در سازمان یونسکو و یونیسکو عضو رسمی داریم و برای کارهای تبلیغی هم مشکل مالی نداریم. دولت عربستان سعودی هر چیزی که نیاز داشته باشیم، در اختیار ما قرار می‌دهد!»

حدود پنج سال قبل در یکی از سایت‌ها، آمده بود که سی درصد بودجه عربستان سعودی به امر تبلیغ فرهنگ وهابیت اختصاص دارد؛ هر چند ممکن است مبالغه‌آمیز باشد. این از یک سو. از سوی دیگر حوزه‌های علمیه و مراکز علمی ما چه کار می‌کنند؟ و در چه موقعیتی هستند؟

بنده دو سال پیش، در همایش وزارت ارشاد در حضور فعالان عرصه فرهنگی کشور سخنرانی کردم و درخواست کردم که آمار سایت‌های شیعه را در برابر چهل هزار سایت وهابیت، به دست آورند. پس از بررسی‌ها معلوم شد که تمام سایت‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و غیره چه داخل و خارج کشور به پنج هزار سایت نمی‌رسد. سایت‌های شیعی ما هم غالباً از این طرف و آن طرف کپی می‌کنند.

□ آیا چهل هزار سایت وهابیت مستقل هستند و مشکل سایت‌های شیعه را ندارند؟

■ خیر، همه آنها مستقل هستند. البته در سایت fnoor.com سایت‌های حساسی

را که مورد تایید آنها می‌باشد، لینک کرده‌اند، لکن مشکل مالی و فنی ندارند.

محتوای سایت‌های وهابیت نیز عمدتاً استفاده از مطالب گذشتگان است؛ مثلاً جاحظ متوفای ۲۵۵ ق اولین کتاب بر ضد شیعه را با نام «العثمانیه» نوشت و در این کتاب حتی منکر شجاعت حضرت علی(ع) شد که مرحوم شیخ مفید بر آن ردیه نوشت و کار به جایی رسید که خود جاحظ کتابی بر رد کتاب خودش

امروز، وهابیت از همه امکانات و شیوه‌های مدرن خویش بر ضد شیعه استفاده می‌کند. در عرصه اینترنت بیش از چهل هزار سایت اینترنتی در اختیار دارند و با امکانات بسیار گسترده به میدان آمده‌اند.

نوشت. هجمه باید این‌طور باشد که مهاجم پشیمان بشود و به اشتباه خودش اعتراف کند. بعدها قاضی عبدالجبار معتزلی کتاب «الغنیة فی الامامة» را نوشت که مفصل‌ترین

کتاب بر ضد شیعه و در بیست جلد است. ابن تیمیه نیز کتاب‌هایی در این زمینه نوشته است. می‌توان ادعا کرد که در دو - سه قرن اخیر، وهابی‌ها مطالب اولیه را از ابن تیمیه و قاضی عبدالجبار معتزلی می‌گیرند.

یکی از مراجع می‌فرمود:

«اگر می‌خواهید خدمتی برای اهل بیت(ع) کنید، شرایطی دارد که تا این شرایط محقق نشود، قطعاً شما از کمک‌های ملکوتی بهره‌مند نخواهید شد. شرط این راه قصد خالص برای خدا، توکل به خدا و توسل به اهل‌بیت(ع) است. در این صورت، می‌توانید از امداد غیبی و کمک‌های ملکوتی بهره‌مند شوید، ولی دشمنان شما اینها را ندارند و شیطان بدون قید و شرط به آنها کمک می‌کند.»

وهابی‌ها برای هجوم علیه شیعه به چیزی مقید نیستند و با تمام سرعت پیش می‌روند؛ مثلاً در این اواخر، دهلوی کتاب «تحفه اثنی عشریه» را نوشت که موجی بر ضد شیعه ایجاد کرد. مرحوم میر حامد حسین «عبقات» را نوشت که این قضیه در نطفه خفه شد. تاکنون ردیه‌ی درستی بر ضد عبقات ننوخته‌اند؛ چون عبقات کتاب بسیار قوی و محکمی است.

ابن روزبهان کتابی به نام «ابطال الباطل» نگاشته است که مرحوم شوشتری(رض) کتاب «احقاق الحق» را در رد آن نوشت که بحق کتاب ارزشمندی است و آیت الله العظمی مرعشی نجفی شرح مفصلی بر این کتاب نوشته و چاپ کرده است.

در عصر حاضر دکتر ناصر القفاری کتابی را بر ضد شیعه در سه جلد نوشته است. به نام «اصول مذهب الشیعه الاثنی عشری»، که معتقدم بیش از سیصد هزار تیراژ دارد و آن را به تمام کتابخانه‌های دنیا فرستاده‌اند. ملک فهد پشتیبان مالی این کتاب بود. در حقیقت این سه جلد، عصاره شبهات بر ضد شیعه در ۱۵ قرن می‌باشد. که ما با کمک خدا و عنایت امام زمان(عج) دو جلد ردیه بر آن نوشته‌ایم و پنج ماه قبل چاپ و عرضه شد و جلدهای بعدی آن نیز خواهد آمد. الآن هم دکتر سالوس، عثمان الخمیس و عرعور یکه‌تازان جنگ وهابیت بر ضد شیعه هستند.

حدود پنج سال قبل در یکی از سایت‌ها، آمده بود که سی درصد بودجه عربستان سعودی به امر تبلیغ فرهنگ وهابیت اختصاص دارد؛

□ به نظر شما که در میدان کارزار با وهابیت هستید، اولویت‌ها برای حمایت از مکتب اهل بیت(ع) چیست تا طلاب و محققین ما بدانند

تحقیق و فعالیت خود را از کجا شروع نمایند؟

■ بنده بارها گفته‌ام که یکی از واجبات عینی، تعیینی و فوری، پاسخ‌گویی به شبهات است. حدود ده هزار شبهه از کتاب‌ها و سایت‌ها و ماهواره‌های مختلف جمع‌آوری شده است. البته این کار در توان یک یا چند مؤسسه نیست، بلکه احتیاج به یک بسیج عمومی اساتید حوزه‌های علمیه، دانشگاه و دانش‌پژوهان فرهیخته دارد که با رهنمود اساتید با تجربه، بدان بپردازند، این شبهات را تقسیم‌بندی کنند و به آنها جواب دهند. شورای عالی مدیریت حوزه نیز باید الزام کند تا رساله‌های حوزویان، - سطح ۳ و سطح ۴ - به این سمت سوق داده شوند؛ ولو رشته تحصیلی آنها غیر از این باشد؛ چون اولویت در پاسخ‌گویی به شبهات است. در دانشگاه‌ها، به ویژه دانشگاه‌هایی که صبغه مذهبی دارند، مثل دانشکده الهیات نیز باید در این زمینه بیشتر کار شود.

امروز این برنامه، یک ضرورت است و شبهه‌ای در آن نیست؛ چون هجوم بسیار گسترده است؛ مثل بدنی که تمام اعضایش درد می‌کند و نمی‌دانیم از کجا باید شروع کنیم. این مسئله باید برای مراجع بزرگوار و اساتید حوزه خوب حلاجی شود و جا بیفتد که الآن در چه موقعیتی هستیم. باید از اساتید شروع کرد که

توانایی علمی دارند؛ چون تجربه نشان داده کسانی که سرمایه علمی خوبی ندارند، در این میدان نمی‌توانند موفق بشوند.

شرط اول ورود به حوزه پاسخ‌گویی، این است که انسان حداقل مجتهد متجزی باشد. کسی که نداند روش پاسخ‌گویی و استنباط کتاب و سنت چگونه است، در این حوزه نمی‌تواند جواب‌گو و موفق باشد؛ مثلاً آقای چند شبه را خوانده و جواب آنها را می‌داند؛ به حج می‌رود، چند شبه‌ای را که جواب آن را می‌داند، مطرح می‌کند و چند شبه جدید به وجود می‌آید که این آقا نخوانده است. همین امر، به ضرر شیعه تمام می‌شود. لذا باید تلاش کرد تا اجتهاد در پاسخ‌گویی به شبهات را در اساتید خودمان احیا کنیم.

طرحی داشتیم که خدمت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) هم عرض کردم. ایشان فرمودند بنده و آیت الله العظمی صافی بدون قید و شرط از طرح شما حمایت می‌کنیم. واضح است که برای آیت الله العظمی مکارم شیرازی قضیه شبهات وهابیت کاملاً جا افتاده است.

اگر بخواهیم نیرویی تربیت کنیم، باید از طلابی استفاده کنیم که سطح چهار حوزه را گرفته‌اند یعنی دکترای حوزه را دارند و یا حداقل ۱۲ سال خارج دیده و واقعا مجتهدند. این افراد را جذب کنیم و یکی - دو سال تحت پوشش قرار دهیم تا مشکلی نداشته باشند و تمام وقت خود را برای پاسخ‌گویی و روش پاسخ‌گویی به شبهات اختصاص دهند و اگر

بنده بارها گفته‌ام که یکی از واجبات عینی، تعیینی و فوری، پاسخ‌گویی به شبهات است. حدود ده هزار شبه از کتاب‌ها و سایت‌ها و ماهواره‌های مختلف جمع‌آوری شده است. البته این کار در توان یک یا چند مؤسسه نیست، بلکه احتیاج به یک بسیج عمومی اساتید حوزه‌های علمیه، دانشگاه و دانش‌پژوهان فرهیخته دارد که با رهنمود اساتید با تجربه، بدان بپردازند.

یک سال به این شیوه کار کنند، به اندازه بیست سال مراکز تخصصی پیشرفت دارند و این کار ارزش دارد. بنده در طول این هفت - هشت سال چهار نفر از دوستان را تربیت کرده‌ام که الآن افرادی آماده و پا به رکاب‌اند و غالباً به

دانشگاه‌ها و غیره می‌روند و در ماهواره ولایت نیز فعالیت دارند. ما نیروهای تولید به مصرف تربیت کردیم. آنها را درگیر چالش‌های اینترنتی کردیم. سوال می‌آید و آنها

جواب می‌دهند، جوابشان نقد می‌شود و دوباره آنها پاسخ می‌دهند. ما می‌خواهیم نیرویی تربیت کنیم که آماده و به روز باشد و بتواند جواب بدهد. ممکن است کسانی جهت پاسخ‌گویی تربیت شوند و مطالب خاص را فرا بگیرند، اما وقتی در ماهواره روی آنتن قرار می‌گیرند، ممکن است از آنها سؤال شود که در محدوده مطالعه آنها نباشد و سؤال، بدون جواب بماند، ولی اگر ملکه پاسخ‌گویی به شبهات را دارا باشد، پاسخ‌گو اطلاعات را در ذهنش کنار هم می‌گذارند و جواب کامل می‌دهد که این ارزش دارد.

□ توصیه شما برای مراکز پژوهشی که می‌خواهند در این مسیر حرکت کنند، چیست؟

■ این مراکز باید روی سه محور در عرض یکدیگر کار کنند:

محور اول: محور اثباتی است؛ یعنی بیاییم عقاید اهل شیعه را از کتب شیعه و اهل سنت به بهترین نحو اثبات کنیم. جواب‌های علامه امینی امروزه پاسخ‌گوی مسائل روز نیست؛ زیرا آنها - وهابیت - جواب علامه امینی را دیده‌اند و برای تمام جواب‌های علامه هم پاسخ دارند.

در سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ که در مکه بودم، با یکی از وهابی‌های داخل کشور جلسه‌ای در داخل بعثه رهبری داشتیم. شبهه‌ای کرد و من پاسخ دادم. ایشان گفت که جواب من در فلان کتاب و فلان صفحه هست و نقد جواب شما هم این است. اینها کاملاً به‌روز هستند و تمام جواب‌ها را خوانده‌اند و ضد حمله را هم به آنها یاد داده‌اند. لذا باید در این محور بسیار خوب کار کنیم؛ مثلاً بیاییم بحث غدیر را از کتب اهل سنت، متقن، محکم و استدلالی جواب بدهیم.

محور دوم: پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون محور اول است؛ مثلاً مسئله غدیر و خلافت حضرت علی(ع) را با ادله اثبات می‌کنیم و آنها هم خلافت ابوبکر را با ادله اثبات می‌کنند، پس هر دو خلیفه هستند، اما یکی خلیفه اول و دیگری خلیفه چهارم است؛ لذا ما را خلع سلاح می‌کند. پس باید درباره کلیه شبهات مربوط به غدیر کار کنیم و جواب بدهیم.

محور سوم: هجمه است؛ مثلاً به کلمه «مولانا» که آنها استفاده می‌کنند، بگوییم که معنی مولانا چیست. آیا معنای آن دوست است یا رهبر و پیشوا. یا مثلاً ما با ادله

اثبات کردیم که مراد از «اهل بیت»، ائمه‌اند و آنان مشمول آیه تطهیر هستند. وقتی که امام سجاد(ع) وارد مدینه شدند، فرمودند که مراد از آیه تطهیر ما هستیم. باید از آنها پرسید: شما که می‌گویید زنان پیامبر مثل عایشه، حفصه و ام سلمه نیز جزو اهل بیت هستند، یک دلیل حتی ضعیف بیاورید. یا عکرمه گفت من حاضر مباحله کنم که اهل بیت، شامل زنان پیامبر هم می‌شود؛ همین جمله عکرمه دلالت دارد که مردم این ادعا را قبول نداشتند بنابراین عکرمه می‌خواست با مردم مباحله کند.

عقیده من این است که نیروها و طلبه‌ها را در این سه بحث تربیت کنیم؛ مثلاً از همان بحث حدیث ثقلین که بحث آرامی است و تنش‌زا نیست، شروع کنیم. روش من این است که ابتدا بحث را از حدیث افتراق مطرح می‌کنم. در روایت آمده است که: «ستفرق امتی علی ثلاثة و سبعین فرقه کلهم فی النار الا فرقة واحده». با این حدیث در ذهن مخاطب وهابی یک تردید ایجاد می‌شود. بعد آیاتی را ذکر می‌کنم که حدیث افتراق را تأیید کند و مورد تأیید وهابیت باشد. همین کافی است برای اثبات اینکه از این ۷۳ فرقه یک فرقه ناجی است. مالکی، حنفی، حنبلی، اشاعره و معتزله هر یک خود را مذهب و مسلکی می‌دانند؛ در حالی که فقط یک فرقه نجات می‌یابد. همین امر بستری فراهم می‌کند که تزلزلی در عقیده مخاطب ایجاد شود؛ باید ثابت کند که حنفی هستم و حنفی حق است و مالکی، شافعی، حنبلی و ... حق نیست تا نوبت برسد، به شیعه. این می‌شود پایه بحث ورود به امامت و پاسخ به شبهات.

□ شبهات زیادی شده؛ مثلاً قفاری آمده تک تک کتاب‌ها را خوانده و مطرح کرده که اشکال چیست. به نظر شما پرداختن به کدام مباحث در اولویت قرار دارد؟

■ ایشان تمام مباحث را مطرح کرده، آیات ولایت و خلافت را جداگانه آورده است، روایات مربوط به خلافت را جداگانه بحث کرده، عصمت را زیر سؤال برده و درباره تحریف قرآن مفصل بحث کرده است. برای غلو، شیعه را مطرح کرده است، حتی رفته از متعه و ... استفاده کرده است. ببینید! آنها در تمام حوزه‌ها کار کرده‌اند. کتاب قفاری کتاب درسی کارشناسی ارشد دانشگاه مدینه در سه جلد و در سه سال تدریس می‌شود. جوانی که این کتاب‌ها را خوانده، در مواجهه با یک

عالم شیعه یا استاد دانشگاه، اطلاعات زیادی دارد. ما نیز باید سطح معلوماتمان را افزایش دهیم. این ذهنیت که مذهب ما حق است و احتیاج به اثبات ندارد، ذهنیت درست و راه‌گشایی نیست. به قول آیت الله سبحانی، باید دید شمشیر را به کجا می‌زنند، سپر را همان‌جا بگیریم.

لذا اولویت ما باید در شناسایی نقطه ضعف خودمان باشد تا بتوانیم بهتر دفاع کنیم و نقاط قوت را تقویت کنیم و به روز باشیم؛ مثلاً دویست سال قبل، شبهات غیر از امروز بود و حتی بیست یا سی سال قبل نیز همین‌طور است. ببینید! قفاری در صفحه اول جلد اول می‌نویسد: «قبل از اینکه این کتاب را بنویسم، تمام کتب شیعه بحار الانوار و ... را صفحه به صفحه مطالعه کردم». پس اینها وارد زمین ما شده‌اند که ما باید آنها را ابتدا از زمین و حوزه دینی خودمان بیرون کنیم. تا وقتی که در زمین ما بازی می‌کنند، همیشه احتمال خطر گل خوردن نیز هست.

□ شبهات روزآمد، چه شبهاتی هستند؟

■ اول باید تشخیص بدهیم که مشکل ما کجاست؛ مثلاً عده‌ای از علما و اساتید ما به یک سلسله از شبهات تاریخ گذشته جواب داده‌اند که این پاسخ‌گوی امروز ما نیست. من دو سال پیش که مکه بودم، با شیخ غامدی - رئیس امر به معروف و نهی از منکر مکه که توسط خود پادشاه سعودی منصوب می‌شود - جلسه‌ای سه ساعته داشتم؛ گفت: مشکل اساسی امروز ما با شما این چند تاست: معتقد هستید که ائمه شما معصوم هستند، می‌گویید قرآن تحریف شده، قائل به بدا و علم غیب و متعه هستید و مانند اینها. اگر شما درباره این مسائل بنویسید که مثلاً قرآن تحریف نشده است و یا قائل به علم غیب و عصمت نیستید و مراجع شما امضا کنند، من حاضرم با هزینه خودم آن را چاپ کنم و در کل عربستان پخش کنم. علمای شما در بحث تحریف قرآن، هر کدام یک چیزی می‌گویند و نمی‌دانیم کدام را قبول کنیم، ولی اگر مراجع شما به میدان بیایند، من به مردم عربستان می‌گویم که عقیده مراجع شیعه این است؛ زیرا سخن مراجع نشان دهنده یک مذهب است.

پس باید ببینیم کتاب‌های منتشر شده در مکه و مدینه، در کدام سمت و سو است؛ مثلاً دست بر روی امامت گذاشته‌اند یا عصمت امامان یا اینکه دست بر روی

امامت امام صادق(ع) گذاشته‌اند یا اینکه امام صادق علم غیب می‌دانسته که اینها خیلی مهم است. انسان اول آسیب‌شناسی کند، بعد در صدد دفاع برآید و بعد از آن، حمله راحت است. مریضی که نزد دکتر می‌رود، ابتدا باید درد و نقاط آسیب‌پذیر شناسایی شود. وقتی محل درد و آسیب که معلوم شد، دارو تجویز می‌شود. در طول این چهار قرن علمای ما به این شبهات جواب داده‌اند. اگر پیشینه جواب‌ها را بدانیم و جمع کنیم، هفتاد درصد مشکل ما حل می‌شود. نیاز نیست که تا یک شبهه دیدیم، برویم از کتاب و سنت و ... جوابش را پیدا کنیم، بلکه جوابش در جوابهای بزرگان ما از زمان شیخ مفید و ... وجود دارد. برخی دوستان بر روی شبهه‌ای ساعت‌ها کار می‌کنند و جهت نظرخواهی نزد من می‌آورند. من می‌بینم که این شبهه را مثلاً فلان آقا در فلان کتاب بهتر از این جواب داده است. این نشان می‌دهد که ما اطلاعی از پیشینه جواب‌های علمای خودمان نداریم.

پس در مؤسسات باید ما سابقه شبهات و سابقه پاسخ‌ها را داشته باشیم و اینها را در اختیار مراکز علمی و محققین قرار بدهیم. این بزرگ‌ترین خدمت است.

□ رویکرد پاسخ‌دهی یک مؤسسه چگونه رویکردی باید باشد؟

■ در حوزه سیصد مرکز علمی و سی مرکز پاسخ‌دهی به شبهات داریم و همه دارند خالصانه کار می‌کنند. حدود شش سال قبل، می‌خواستیم یک CD در حوزه پاسخ‌گویی به شبهات تولید کنیم و موجودی‌هایمان را در یک جا گرد آوریم. با حدود بیست مرکز پژوهشی تماس گرفتیم و آنها اطلاعات خود را برایمان فرستادند. حدود هشت هزار سوال و جواب برای ما آمد. پس از بررسی، دیدیم که بسیاری از این جواب‌ها تکراری‌اند؛ یعنی این همه هزینه انسانی و مالی، تکراری بود. بیاییم در یک مرکز از اساتید خوب و امکانات مدرن و نرم‌افزارهای متعدد استفاده کنیم و شبهات را در یک سو و پاسخ‌هایی را که بزرگان ما داده‌اند، در سوی دیگر قرار داده و پس از جرح و تعدیل آنها را منتشر کنیم، و همچنین حمله‌های مؤدب داشته باشیم، نه حمله تند.

بعضی از سایت‌های شیعه در این زمینه خوب فعالیت می‌کنند. پنج - شش سایت به زبان عربی است و به خوبی از عهده وهابی‌ها برآمده‌اند و آنها را به استیصال و داشتند، ولی وهابی‌ها میدان را خالی نمی‌کنند و هر روز دنبال یک چیزی هستند. وقتی می‌گویم به روز باشیم، به همین جهت است.

در یک مناظره، عبدالرحمن دمشقیه از ریاض شبهه جدیدی را مطرح کرد که تا به حال در این چهارده قرن کسی این شبهه را مطرح نکرده است. وی می‌گوید: طبق روایتی، کسانی با زبان عبری می‌آمدند و از پیامبر سوال می‌کردند و پیامبر کسانی را داشت که برای او ترجمه می‌کردند و سپس آن حضرت جواب آنها را می‌داد. شما شیعیان چگونه معتقدید که پیامبر به درخواست‌ها و حرف‌های شما که به هر زبان که باشد؛ ترکی،

بیاییم در یک مرکز از اساتید خوب و امکانات مدرن و نرم-افزارهای متعدد استفاده کنیم و شبهات را در یک سو و پاسخ‌هایی را که بزرگان ما داده‌اند، در سوی دیگر قرار داده و پس از جرح و تعدیل آنها را منتشر کنیم، و همچنین هجمه‌های مؤدب داشته باشیم، نه هجمه تند.

انگلیسی، لری، کردی، فرانسوی و ... ، پاسخ می‌دهد؛ در حالی که آن حضرت در زمان حیاتش، عبری نمی‌دانست؟ یا مثلاً چگونه پیامبر در یک لحظه می‌تواند حاجات و حرف‌های کسانی را که از سراسر دنیا صحبت می‌کنند، بشنود و بفهمد؛ در صورتی که این کار مخصوص خداست؟ اینها شبهات جدیدی بود که یکی از دوستان پرسید شما چه جوابی می‌دادید؟ گفتم: اولاً این روایتی که مطرح کردید یک دروغ محض است و سندش از دیدگاه اهل سنت هم ضعیف است. مقام پیامبر اسلام(ص) از حضرت سلیمان بالاتر است و قرآن درباره حضرت سلیمان می‌گوید: «علمناه منطق الطیر؛ به او زبان پرندگان را یاد دادیم»، تا چه رسد به زبان آدمیان. پیامبر اسلام که بالاتر از حضرت سلیمان است و قطعاً تمام لغات را می‌دانست. در ضمن ما از صحیح بخاری و مسلم سراغ داریم که ملک الموت در یک لحظه می‌تواند در سراسر جهان هزاران نفر را قبض روح کند. پس وقتی که خدا به یک ملک توانایی داده است، آیا به پیامبر که مقامش بالاتر است، چنین توانایی‌هایی را نداده است؟

سخن در این زمینه فراوان است که مجالی وسیع‌تر را می‌طلبد و بنده به همین مقدار بسنده می‌کنم.

امیدوارم خداوند همهٔ دوستانی را که در این زمینه فعالیت می‌کنند، موفق بدارد.

اهداف و برنامه‌های

مؤسسه «دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (ع)»
در گفتگو با حجت الاسلام مهدي مكارم شيرازي



جناب حجت الاسلام مهدي مكارم رياست محترم
مؤسسه دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (ع) در يك گفتگوی
کوتاه به تشریح اهداف و برنامه‌های مؤسسه پرداختند که
در ذیل تقدیم می‌گردد.

□ ضمن عرض سلام و آرزوی توفیقات روزافزون، خواهشمند است در
ابتدای گفتگو، مؤسسه تحقیقاتی دار الإعلام را برای خوانندگان معرفی و
اهداف و انگیزه تأسیس آن را بیان فرمایید.

■ بسم الله الرحمن الرحيم.

بحمدالله تحت عنایات حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) و تلاش‌های عده‌ای
از محققین و پژوهشگران حوزه دین، و با توجه به کمبودهایی که در راستای دفاع
از حریم مکتب اهل‌بیت (ع) وجود دارد و به منظور مبارزه با القائات و شبهات
اعتقادی، کلامی و تاریخی بر ضد مذهب شیعه اثنی عشری، در اوایل سال ۱۳۸۹
راه‌اندازی شد.

این مؤسسه متشکل از هیأت مدیره‌ای است که در رأس این مجموعه قرار دارد و در ذیل آن، معاونت‌های سه گانه، «پژوهش»، «نشر» و «اجرایی» فعالیت می‌نمایند. محققان ارجمند در قالب چهار گروه تخصصی (کلام، حدیث، تاریخ و مسائل روز) تحت اشراف معاونت پژوهشی، مشغول ادای وظیفه می‌باشند.

واضح است که گستره فعالیت‌های ضد شیعی در قالب پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای و نشر افکار منحرف ضد مذهبی از سوی دشمنان، خصوصاً فرقه‌های متعصب وهابی تکفیری و بهره‌گیری آنان از ابزارهای

جمعی از اندیشمندان متعهد و علاقه‌مند به مکتب اهل بیت(ع) با درک این ضرورت و آگاهی از خطرات و دشواری‌های پیش‌رو، ضمن انجام مطالعات اولیه و تحقیقات مقدماتی اقدام به تأسیس این مؤسسه نموده‌اند تا بتوانند در دفاع از حریم مکتب اهل بیت(ع) گام‌هایی را بردارند و نقش مؤثری در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان ایفا نمایند.

نوین تبلیغاتی از قبیل سایت‌ها، ماهواره‌ها، به سطح بسیار وسیعی رسیده است، به خصوص اینکه برخی نهادها و سازمان‌های مرتبط با آنها علاقه چندانی به مناظرات بین المذاهب ندارند؛ لذا جمعی از اندیشمندان متعهد و علاقه‌مند به مکتب اهل بیت(ع) با درک این ضرورت و آگاهی از خطرات و دشواری‌های پیش‌رو، ضمن انجام مطالعات اولیه و تحقیقات مقدماتی اقدام به تأسیس این مؤسسه نموده‌اند تا بتوانند در دفاع از حریم مکتب اهل بیت(ع) گام‌هایی را بردارند و نقش مؤثری در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان ایفا نمایند.

□ با توجه به سخنان شما، به نظر می‌رسد که با وجود مؤسسات و مراکز مشابهی که در این حوزه فعال‌اند، این مرکز به دنبال اهداف خاصی است که در سایر مراکز کمتر مورد توجه بوده است. لطفاً برجسته‌ترین انگیزه تأسیس را بیان کنید؟

■ شبه‌افکنی درباره جایگاه اهل بیت(ع) و مکتب تشیع از سده‌های دوم و سوم تاریخ اسلام آغاز گردیده است و علمای گذشته در کتب ارزشمندشان جواب‌های

محکم و متقنی نیز به آن شبهات داده‌اند که لازم است محققین عزیز به آثار علمای ما نیز توجه خاص داشته باشند.

اما در این دوره و با توجه به گستره وسیع فعالیت دشمنان اهل بیت(ع)، برجسته‌ترین انگیزه تأسیس این مرکز، توجه به پژوهش بنیادین و اصولی در امور اعتقادی، کلامی و تاریخی شیعه با توجه به شبهات جدید است.

در حال حاضر تفکر وهابیت، افراطی‌ترین و خطرناک‌ترین تفکری است که به نام اسلام فعالیت می‌کند و بیشتر مورد توجه بخش تحقیقاتی مرکز واقع شده است.

هر چند با وجود مشکلات فراوان، بحمدالله مؤسساتی در این زمینه مشغول به فعالیت و ادای وظیفه هستند، اما با توجه به وسعت هجمه جبهه مخالف، تعداد مؤسسات و مراکز متعدد فعال شیعی در این زمینه که به مثابه سربازان جبهه فرهنگی‌اند، اندک به نظر می‌رسد؛ لذا این مؤسسه در چند زمینه تصمیم به فعالیت گرفته است که به آنها اشاره می‌کنیم:

به عنوان نخستین فعالیت، جهت پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده و نیز به منظور جمع‌آوری تجربیات اساتید و محققین، نشر و توزیع نشریه‌ای تخصصی و علمی با نام «سراج منیر» در دستور کار هیأت مدیره مؤسسه قرار گرفت.

همچنین انتشار جزوات و کتب تخصصی در این مقوله مورد حمایت خاص مؤسسه می‌باشد. با توجه به طیف گسترده مخاطبین، راه‌اندازی سایت فعال علمی - تحقیقاتی در شبکه اینترنت با نام «السراج» در دو بخش آشکارسازی نقاط ضعف وهابیت تکفیری و در کنار آن پاسخ‌های علمی و متقن به شبهات اعتقادی - تاریخی مطرح شده علیه تشیع، به عنوان گام بعدی این مؤسسه به شمار می‌رود. اما مهم‌ترین هدف و اصلی‌ترین انگیزه فعالیت این مؤسسه، گردآوری کلیه شبهات مطرح شده علیه اعتقادات تشیع در طول تاریخ و خصوصاً عصر ما، پاسخ‌گویی مستند و محکم به این شبهات، و آماده‌سازی آنها برای چاپ در بزرگ‌ترین دائرة المعارف است؛ به گونه‌ای که هر محقق و پژوهشگر را در این موضوع از بسیاری از کتب و منابع تقریباً بی‌نیاز نماید. البته مقدمات کار در این زمینه به صورت تشکیل گروه‌های تخصصی و مشاوره‌های مقدماتی آغاز گردیده است. با توجه به

حجم گسترده شبهات مطرح شده، طبیعتاً این مجموعه ارزشمند علاوه بر غنای محتوایی، دارای مجلدات زیادی خواهد بود.

□ مشکلات و موانع موجود در راه تأسیس مراکز پژوهشی با رویکرد

مقابله با وهابیت چیست؟

■ طبیعتاً تأسیس مراکز پژوهشی و تامین منابع مالی و فراهم ساختن امکانات لازم، مشکلات فراوانی دارد، اما تأسیس مرکزی پژوهشی با رویکرد مقابله با وهابیت از مشکلات و موانع ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکل، عدم توجه کافی و جدی مراکز حوزوی و ارگان‌ها به این مقوله است؛ در نتیجه این مراکز کمترین امکانات را برای راه‌اندازی مراکز تحقیقاتی با رویکرد «مقابله» و «هجمه» به وهابیت اختصاص می‌دهند؛ در حالی که دشمنان از تمام ظرفیت‌های مالی خویش در راه گسترش اعتقاداتشان استفاده می‌نمایند. همین بی‌توجهی باعث شده که برخلاف سایر رشته‌های حوزوی، محققان کمتری را در این زمینه داشته باشیم.

یکی دیگر از مشکلات پیش روی ما، تهیه منابع و کتب اصلی وهابیت و نیز منابع انتقادی بر این فرقه می‌باشد، به حدی که نه تنها تأمین بعضی آنها از داخل دشوار و گاهی ناممکن است، بلکه حتی وارد کردن آنها از خارج نیز با مشقات بسیار همراه است.

در حال حاضر تفکر وهابیت، افراطی‌ترین و خطرناک‌ترین تفکری است که به نام اسلام فعالیت می‌کند و بیشتر مورد توجه بخش تحقیقاتی مرکز واقع شده است.

□ همان‌طور که قبلاً اشاره کردید، سه هدف عمده را برای مؤسسه تعریف کرده‌اید، اما این اهداف مشخص می‌توانند با رویکردهای مختلف انجام پذیرند اصولاً شما تا چه اندازه به بحث تقریب مذاهب اهتمام دارید؟

■ سؤال بسیار خوبی است. این مرکز ضمن اعتقاد جدی به بحث تقریب بین مذاهب، در خصوص تفکرات افراطی ضد شیعی، به دنبال رویکرد دفاعی - تهاجمی توأم با منطق علمی و به دور از هرگونه تعصبات است. امیدواریم در کنار

پاسخ مستدل و محکم به شبهات مطرح، اشاراتی محققانه به نقاط ضعف فرقه‌های مخالف در فضایی کاملاً علمی داشته باشد.

□ چشم‌انداز تحقیقات مؤسسه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ هر چند کمتر در این زمینه کار بنیادین و منسجمی مشاهده شده است، اما به گمان ما در صورت نشر دائرة المعارفی جامع از شبهات و پاسخ‌های مبسوط بدان‌ها، مورد رجوع ارباب علم و تحقیق خواهد گردید. صد البته رسیدن به این مقصود بزرگ، کاری بس دشوار است و حوصله، شجاعت و همت عالی می‌طلبد.

□ چه امکاناتی در این مرکز جهت رسیدن به اهداف مورد نظر فراهم گردیده است؟

■ بحمد الله با زحمات طاقت‌فرسای برخی از علاقمندان، موفق شده‌ایم مجموعه‌ای کمیاب از کتب منتشر شده وهابیت بر ضد شیعه را گردآوری کنیم و کتابخانه‌ای تخصصی در این زمینه در اختیار محققین قرار دهیم. همچنین اینترنت پرسرعت نیز برای استفاده محققین و پژوهشگران مرکز مهیاست و به طور کلی هر آنچه را که محققین عزیز برای نیل به اهداف والای مرکز مورد نیازشان باشد، در اختیار آنها قرار داده‌ایم.

در همین جا از کلیه علاقه‌مندانی که بصورت تخصصی در زمینه کلام و تاریخ وهابیت فعالیت دارند و صاحب مقالاتی در این زمینه می‌باشند، دعوت به همکاری می‌نماییم و دست همکاری آنها را به گرمی می‌فشاریم. امیدواریم که خداوند متعال کمک کند تا قدمی در راه دفاع از حریم مکتب اهل بیت(ع) برداریم.

به عنوان نخستین فعالیت، جهت پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده و نیز به منظور جمع‌آوری تجربیات اساتید و محققین، نشر و توزیع نشریه‌ای تخصصی و علمی با نام «سراج منیر» در دستور کار هیأت مدیره مؤسسه قرار گرفت.

ضرورت‌های نقد و هابیت

● محمد کرمانی کجور

وهابیت، در چهار قرن اخیر، چالشی جدی را فرا روی جهان اسلام و بلکه به یک معنا فراروی جامعه بشری قرار داده و در سطحی وسیع بدان دامن زده است. دانشمندان اسلامی که به دقت حرکات این جریان را رصد می‌نمودند و از همان آغاز افق‌های دوردست این جریان را مشاهده می‌کردند، از بدو پیدایش این فرقه، به گونه‌های مختلفی در افشاگری و تبیین انحرافات آن کوشیده و به نقد آن همت گمارده‌اند؛ به نحوی که از پافشاری اکید آنان بر این رسالت، به خوبی این نکته استفاده می‌شود که ضرورت نقد این جریان در ارتکازات ذهنی آنها، امری روشن و بدیهی بوده است و با توجه به اینکه نظریه رقیبی نیز در این زمینه در میان نبوده است، به نظر می‌رسد همین دو نکته علت نپرداختن بسیاری از بزرگان به صورت فصلی جداگانه در این موضوع باشد؛ به طوری که می‌بینیم عمدتاً با فراغت از این امر، به موارد نقد همت نهاده اند.

بنابر آنچه گفته شد، ابتدا به این پرسش می‌پردازیم که اساساً نقد این فرقه از چه ضرورت یا ضرورت‌هایی برخوردار است؟

به منظور تنقیح بیشتر موضوع این نوشتار به دو نکته مهم اشاره می‌نماییم:

۱. جنس نقد ما در این مجال، جنسی معرفتی است، لذا ضرورت نقد این جریان، از جنبه‌های سیاسی - اگرچه اهمیت خاص خود را دارد - در این نوشتار نقش محوری نخواهد داشت.

۲. وهابیتی که تبیین ضرورت نقد معرفتی آن، موضوع گفتگو است، مربوط به دوره تأسیس (قرن دوازده) و پس از آن است^۱ که طبعاً کل منابع ارائه شده ما، منابعی مقارن با همان دوره است و این نوشتار عمدتاً صبغه‌ای تحلیلی خواهد داشت. بنابراین، پرسش اولیه ما به شکل دقیق‌تر و واضح‌تر این گونه است؛ نقد معرفتی این فرقه، از چه ضرورت و یا ضرورت‌هایی برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش اصلی، پیش فرض‌های خاص خود را می‌طلبد که در واقع اصول موضوعی آن است و دخلی اساسی در آینده بحث ما خواهد داشت و بر پایه آن، شاکله این نوشتار شکل خواهد گرفت.

هر انحرافی نوعی تخریب است و رابطه مستقیمی میان این دو برقرار است، به این معنا که بسته به شدت و ضعف یک انحراف معرفتی، دامنه تخریبی آن نیز متفاوت خواهد بود و شدت و ضعف یک انحراف معرفتی، در گرو عناصر درونی و نیز زمینه‌های بیرونی آن است.

پیش‌فرض‌های بحث

الف) چیستی رسالت علمای معاصر

از نکاتی که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم، چیستی این رسالت معلوم می‌شود: اولاً، کامل‌ترین و نهایی‌ترین برنامه الهی از منظر تاریخی، دو دوره کلی تأسیس و تبیین را دارد. دوره اول آن، در خلال رنج‌های رسول خدا(ص) با موفقیت به سرانجام رسیده است و دوره دوم نیز به اقتضای پهنای مکانی و زمانی آن، استمرار و دوامی متناسب با عمر بشر را می‌طلبد.

ثانیاً، از منظر محتوایی، اسلام عزیز، لااقل دو بخش افکار و اعمال را در بر گرفته و تبیین آن نیز شامل هر دو بخش می‌شود.

۱. در برخی موارد از ابن تیمیة حرانی به دلیل ارتباط خاص وهابیان با او، سخن به میان خواهد آمد.

ثالثاً، رسول خدا(ص) و ائمه اهل بیت(ع) - از امیر مؤمنان(ع) تا حضرت حجت(عج) در زمان غیبت صغرا - علاوه بر ادای رسالت تبیین، پایه‌ها و اصولی را جهت تبیین در دوران غیبت کبرا، به منظور ایفای نقش تبیینی علما و دانشمندان بنا نهاده‌اند و اساساً ماهیت معرفتی ظهور حضرت حجت(عج) نیز مربوط به این بخش است و ماهیتی تبیینی خواهد داشت.

با توجه به نکات بالا، تبیینی بودن رسالت علمای معاصر آشکار می‌گردد.

ب) چیستی انحراف معرفتی

بعد از فراغت از اصل پیشین، نوبت به بررسی چیستی انحراف در عرصه‌های معرفتی از منظری کلی می‌رسد. هر انحرافی نوعی تخریب است و رابطه مستقیمی میان این دو برقرار است، به این معنا که بسته به شدت و ضعف یک انحراف معرفتی، دامنه تخریبی آن نیز متفاوت خواهد بود و شدت و ضعف یک انحراف معرفتی، در گرو عناصر درونی و نیز زمینه‌های بیرونی آن است. از جمله عناصر درونی می‌توان به مبانی معرفتی، بستر درونی، ابزار و شیوه‌های تبلیغاتی و از عناصر خارجی، می‌توان به اشتراکات نسبی، همراهی عوامل پایداری مانند قدرت و ثروت و... اشاره نمود.

به طور کلی با نظر به اینکه انحرافات، بسته به ماهیت و تأثیرگذاری و دامنه‌ای که دارند، سدی در برابر رسالت تبیینی علمای اسلام خواهند بود، تلاشی متناسب با آن را از سوی دانشمندان اسلامی می‌طلبد. خصوصاً آنجا که دامنه انحرافی آن مربوط به حیطه‌های کلان نگرشی می‌شود. به بیانی دیگر، تبیین زاویه انحراف معرفتی، خصوصاً آنجا که به معارف بنیادی کشیده شود و بالاخص اگر، قالب تشکیلاتی به خود گیرد و عامل‌های پایداری و ثبات را نیز با خود همراه سازد، در حیطه رسالت تبیینی علمای اسلام تعریف می‌گردد. چرا که نقطه آغازین یک انحراف کلان در عرصه دین، از جنبه‌های معرفتی آغاز می‌شود و بروز و ظهور خارجی آن در مرحله‌ای متاخر جای می‌گیرد.

در واقع، تبیین زاویه یک انحراف معرفتی، چیزی جز نقد آن نیست و ضرورت نقد آن نیز همان ضرورت تبیین زاویه انحراف است.

ج) ضرورت‌های نقد و رابطه آن با چیستی انحراف

با توجه به اینکه این نوشتار در صدد تبیین ضرورت نقد نوعی خاص از انحراف است که از جنبه‌های فکری و معرفتی آغاز شده و شاخصه‌های خاص خود را دارد و لوازم خارجی آن نیز بروز و ظهور یافته است، می‌گوییم هیچ‌گاه ضرورت نقد معرفتی

انحراف وهابی، انحرافی ذاتاً تبیینی در عرصه‌های کلان معرفتی است که به عرصه‌های رفتاری نیز کشیده شده است و به طور خاص منظور از ماهیت این انحراف، پایه یا پایه‌هایی است که ساختمان انحراف وهابی بر آن استوار گشته و عمدتاً پنهان است و در واقع آبشخور بینش‌های کلان آنان را تشکیل می‌دهد

یک انحراف از شناختی کلان و البته دقیق از ماهیت انحراف مورد نظر و نیز احاطه بر برد و دامنه معرفتی و تخریبی آن منفک نیست؛ چرا که اساساً دریافت واقعی از چنین ضرورتی، بر کاوش درباره عناصر درونی و بیرونی آن انحراف و ملاحظه دامنه تخریبی و نیز سنجش میزان شتاب آن، استوار است و چنان جایگاه ممتازی دارد که بررسی ضرورت نقد آن انحراف، تماماً متوقف و متفرع بر آن تعریف می‌گردد. بنابراین مسئله ضرورت نقد

معرفتی وهابیت را مقرون و آمیخته با نگاهی کلی بر چیستی از منظر ماهیت و نیز دامنه تخریبی، بررسی خواهیم نمود.

در نقد معرفتی انحراف فرقه وهابیت، می‌توان ضرورت‌ها و بایدها را به دو ضرورت عمده بازگرداند که به ترتیب اهمیت از این قرارند:

۱. ضرورت پیشگیری از بومی شدن فقر روش‌مندی علمی در حوزه دین؛

۲. ضرورت پیشگیری از توسعه انسانی و فربهی جغرافیایی.

ضرورت اول برخاسته از ماهیت انحراف وهابی و ضرورت دوم مبتنی بر دامنه و برد تخریبی آن است.

۱. ضرورت پیشگیری از بومی شدن فقر روش‌مندی علمی در حوزه دین

این ضرورت برجسته‌ترین ضرورت در بایستگی نقد معرفتی انحراف وهابی است و ضرورت‌های خرد و گوناگونی را پوشش می‌دهد و به یک معنا ضرورت دوم که به زودی به آن خواهیم پرداخت، در این ضرورت ریشه دارد.

دریافتی وافی از این کلان ضرورت، آن‌گاه میسور خواهد بود که ماهیت انحراف وهابی از منظری کلی و با ظرافتی کافی نظاره شود و بازخوردهای آن رصد گردند.

الف. ماهیت انحراف وهابی

انحراف وهابی، انحرافی ذاتاً تبیینی در عرصه های کلان معرفتی است که به عرصه های رفتاری نیز کشیده شده است و به طور خاص منظور از ماهیت این انحراف، پایه یا پایه هایی است که ساختمان انحراف وهابی بر آن استوار گشته و عمدتاً پنهان است و در واقع آبشخور بینش های کلان آنان را تشکیل می دهد که در این مجال به بررسی آن و نیز ارائه برخی از خروجی‌های آن می‌پردازیم تا اولین ضرورت طرح شده، به خوبی رخ بنمایاند.

– فقر روش‌مندی علمی

آبشخور اصلی بینش های کلان وهابی، یک نکته بیش نیست و آن نداشتن اسلوب های عام علمی است.

به عبارت دیگر، فقر اسلوب ها و چارچوب های کلی علمی است که ریشه این شجره و ماهیت اصلی آن را از منظر معرفتی تشکیل می دهد و به گونه مفروطی در مراتب مختلف علوم متن گرا از جمله مرتبه تصور (مفهوم شناسی) و مرتبه تصدیق (مراد شناسی)، در این انحراف مشهود است و این در حالی است که هر نگرشی که ادعای روش‌مندی علمی در گزاره‌های خود را دارد، برخوردار باشد از چارچوب های عام علمی، امری اجتناب ناپذیر است.

علاوه بر این، وهابیت دچار فقر روش‌مندی علمی دیگری نیز هست؛ روش‌مندی خاصی که مربوط به حیطة آموزه‌های اسلامی است و چارچوب علمی معارف اسلامی را تشکیل می‌دهد که از آنها به ضروریات اسلامی تعبیر می‌گردد. این فقر نیز در حد وسیعی در بینش‌ها و گرایش‌های معرفتی وهابیت به چشم می‌خورد.

قصه فقر روش‌مندی علمی آنان، به دو مورد پیشین خاتمه نمی‌یابد و حتی در حیطة خاص‌تری از جامعه اسلامی که اهل سنت باشند، نیز مشهود است، به این معنا که آنان به وادی‌ای گام نهاده‌اند که حتی اهل سنت نیز در آن ره نپیموده‌اند و با مبانی و معیارهای آنان از جمله در اجماع و حجیت فهم سلف همخوانی

ندارد و بلکه موجب انشقاق حنابله که جزئی از این جامعه می باشند نیز گشته است و این نکته از ردیه های فراوانی که علمای اهل سنت نثار وهابیان کرده‌اند و طلایه دار آن در جامعه اهل سنت حنابله از جمله پدر و برادر محمد بن عبد الوهاب بوده‌اند، آشکار می شود.

گفتنی است که در طول تاریخ اسلام این فقر و محرومیت در سه محدوده ابتدایی یاد شده در قالبی به نام خوارج و البته در حیطه محدودتر، بروز و ظهور یافته است و بدین جهت است که برخی از علمای اهل سنت، وهابیان را خوارج زمان ما معرفی نموده اند.^۱

آبخخور اصلی بینش‌های کلان وهابی، یک نکته بیش نیست و آن نداشتن اسلوب‌های عام علمی است.

ریشه این فقر که آبخخور اصلی نگرش های وهابی است نیز نیازمند بررسی است و سؤال مهمی که در این باره مطرح می شود، این خواهد بود که این فقر مفرط از کجا نشأت می یابد؟

در کاوش از ریشه این فقر در روش‌مندی علمی، به مورد حائز اهمیتی بر می‌خوریم که عبارت است از فقدان شاخصه‌های علمی در پیشگامان این انحراف. در این باره نیز توجه به سخن سلیمان بن عبدالوهاب (برادر محمد بن عبد الوهاب) در کتاب معروف *الصواعق الإلهية في الرد على الوهابية* لازم است. وی این کتاب را در پاسخ به درخواست مکرر حسن بن عیدان - از پیروان برادرش که از وی خواسته بود تا دیدگاهش را در مورد جریان وهابیت مطرح نماید - نگاشته است و آن را با



۱. حاشیه رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الابصار، محمد امین بن عمر ابن عابدین (تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵ م، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت)، باب البغاة، ج ۴، ص ۴۴۹؛ الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، أحمد زینی دحلان، (۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م، مکتبه ایشیق، استانبول ترکیا)، ص ۴۹. گفتنی است در میان دانشمندان ما مرحوم سید محسن امین دوازده وجه مشترک خوارج و وهابیان را برمی‌شمارد که به جهت پرهیز از اطاله دامنه این نوشتار، از بیان آنها خودداری می‌نمایم. ر.ک: کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، سید محسن الأمین (تحقیق و تخریج: حسن الأمین، مکتبه الحرمین، قم)، المقدمة الثالثة في شبه الوهابيين بالخوارج وذلك من عدة وجوه، ص ۱۱۲.

مقدمه‌ای در اجتهاد و علوم مورد نیاز در استنباط، آغاز کرده و در همان آغاز، انگیزه‌اش را از این مقدمه چنین بیان داشته است:

«... و تنها علت بیان این مقدمه آن بود که مرجع سخنانم باشد؛ زیرا که مردم امروزه به کسی مبتلا شده‌اند که منتسب به قرآن و سنت است و معارف آن را استنباط می‌نماید، در حالی که یکی از خصلت‌های صاحبان اجتهاد و حتی یک دهم یکی از آنها در وی وجود ندارد.»^۱

فقر روش‌مندی علمی، به قدری عمیق است که به چالش مفهومی خلاصه نشده و آنجا که فهم مفردات نیازمند خبرویت نبود، در بخش فهم مراد از منابع لفظی نیز نمایان گشته است و براساس آن، شاکله بسیاری از بینش‌های کلان وهابی شکل گرفته که می‌توان از آن به عنوان چالش قبض و بسط تعبیر نمود.

نیز در مورد عدم صلاحیت علمی آنان می‌نویسد: «... و سابقاً عرض شد که امت اسلامی بر این نکته اجماع دارند که برای مثل شما، استنباط جایز نمی‌باشد.»^۲
همچنین نامه محمد بن عبدالرحمن بن عفالق حنبلی - معاصر محمدبن عبدالوهاب که عنوان کتاب تهکم المقلدین بمن

ادعی تجدید الدین را به خود گرفت - در این باره قابل تأمل است که بعد از ردیه مفصلی که بر وی نوشت، برای آنکه فقر علمی اش بیشتر نمود یابد، تعدادی سؤال فقهی و ادبیاتی از جمله سؤالات ادبی فراوانی درباره سوره «العادیات» پرسید که او از جواب کم‌ترین آنها برنیامد.^۳

- خروجی این فقر

چنان که گفته شد، محور انحراف وهابی، فقری مفرط در روش و اسلوب‌های علمی است. در این مجال به خروجی‌های این فقر می‌پردازیم و درباره آثار آن

۱. الصواعق الإلهیة فی الرد علی الوهابیة، سلیمان بن عبد الوهاب (چاپ سوم، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م، مکتبه ایشیق، إستانبول ترکیه)، ص ۴.
۲. همان، ص ۲۹ و ۸۰.
۳. الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة، أحمد زینی دحلان، (۱۳۹۶ ق / ۱۹۷۶ م، مکتبه ایشیق، إستانبول ترکیه)، ص ۴۸. نمونه ای از سؤال‌های ادبی او را نیز می‌توانید در همین کتاب ببینید.

گفتگو می کنیم و البته باید گفت که برخی از خروجی های این انحراف به گونه ای جسته و گریخته و نه به شکل امروزی آن از عصر صحابه تا اوایل قرن دوازده به صورت لایه های زیرین این انحراف وجود داشته و افت و خیزهایی را به خود دیده است.^۱

ب. احیا و توسعه هرمنوتیک غیر علمی^۲

آنچه را که خوارج بنانهاده بودند، پیشگامان وهابیت احیا کردند و توسعه ای بی سابقه یافت و عمدتاً در دو بخش کلان صورت پذیرفت:

– بخش مفهوم شناسی

فقر روش مندی علمی، در گام نخست، خود را در فهم مفردات کلیدی نشان داده است. از مفرداتی چون عبادت، اسلام، غیرخدا، شرک، ارتداد و چیستی انسان، فهم درستی از آنها به دست نیامد و این مفردات به گونه ای ناروا و غیرعلمی فهم و تفهیم گردید.

سلیمان بن عبدالوهاب در مورد مشکل مفهومی برادرش با تعبیر «مفهومه» (مفهوم محمد بن عبدالوهاب) یاد نموده است:

«... یوجب علی الناس الأخذ بقوله و بمفهومه؛ او بر دیگران واجب می دانست که از نظر و مفهومش پیروی نمایند».^۳

نیز در موارد فراوانی خطاب به حسن بن عیدان وهابی از عباراتی چون "مفاهیمکم" و "مفهومکم" استفاده می کند و به بدین وسیله نارسایی فهم آنان در مفردات منابع اسلامی اشاره می کند؛ از جمله می نویسد: «... حق را با باطل در



۱. از جمله بخشی از سخنرانی حجاج در مدینه حایز اهمیت است. او وقتی دید مردم پیرامون منبر و قبر رسول خدا (ص) طواف می کنند، در مذمت آنان گفت: نابود شوند که تنها به دور چوب ها و استخوانی پوسیده طواف می کنند. *الکامل فی الأدب*، ج ۱ (النهضة بمصر)، ص ۲۲۲؛ *إمتاع الأسماع بما للنبي صلى الله عليه وسلم من الأحوال والأموال والحفلة والمتاع*، أحمد بن علی بن عبد القادر بن محمد مقریزی، تحقیق و تعلق: محمد عبد الحمید النمسی، ج ۱۲، ص ۲۵۹؛ *النصائح الکافیة لمن يتولى معاوية*، سید محمد بن عقیل بن عبد الله بن عمر بن یحیی علوی (دارالثقافة للطباعة والنشر ایران بقم)، ص ۸۱، به نقل از جاحظ.

۲. هرمنوتیک مورد نظر ما، اصول و قوانین عام علمی در فهم متون است که تماماً بر پایه هدف داری مؤلف و ارائه اسلوب های عمومی کشف و فهم مراد استوار است و نه به معنای تعدد قرائات.

۳. *الصواعق الإلهية في الرد على الوهابية*، سلیمان بن عبد الوهاب، (چاپ سوم، ۱۳۹۹ هـ / ۱۹۷۹ م، مکتبه ایشیق، ایستانبول ترکیه)، ص ۴.

نیامیزید و کافران را با نظرات فاسد و مفاهیم موهوم خود با مسلمانان یکی شمارید^۱» و در اشکال به فهم آنان در مورد باب شرک می نویسد: «... شما این مسأله را با مفاهیم خود، استنباط نموده‌اید^۲». نیز در نتیجه گیری خود چنین می نگارد: «... و کوتاه سخن آنکه هر کس که ممارست علمی داشته، می داند که این مفهوم شما خنده دار است^۳».

رشد فقر مفهومی در میان آنان به حدی رسید که محمد بن علوی، عالم مالکی ساکن مکه را بر آن داشت تا کتاب مفاهیم یجب أن تصحح را به رشته تحریر در آورد.

علاوه بر این، دامنه این فقر به حدی وسعت یافت که حتی در فهم کلمات و عبارات علما اهل سنت نیز جلوه‌گر شد. در این باره تنها به ذکر نمونه ای اکتفا می نماییم:

سلیمان بن عبدالوهاب در حکم توسل که وهابیان به سخن ابن تیمیه حرانی تمسک کرده اند و از آن کفر کسی را برداشت نموده اند که میان خود و خدا واسطه قرار دهد، می نویسد:

«... از عدم فهم کلام صاحبان علم است اگر در عبارت تاملی شایسته می نمودید، می فهمیدید که شما آن را به گونه‌ای ناروا معنا نموده اید و این نکته شگفت آور است که سخن واضح وی را رها کرده و به سراغ عبارتی گنگ رفته‌اید و از آن مطلبی متضاد با سخن صاحبان علم استنباط کرده‌اید^۴».

– بخش مراد شناسی

فقر روش‌مندی علمی، به قدری عمیق است که به چالش مفهومی خلاصه نشده و آنجا که فهم مفردات نیازمند خبرویت نبود، در بخش فهم مراد از منابع لفظی نیز نمایان گشته است و براساس آن، شاکله بسیاری از بینش‌های کلان وهابی شکل گرفته که می توان از آن به عنوان چالش قبض و بسط تعبیر نمود.

۱. همان، ص ۱۳ و نیز ر.ک: ص ۹، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۳.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۴۳.

۴. همان، ص ۹.

به این معنا که خروجی عملیات مراد یابی در برخی موارد، به قدری تنگ و فشرده شده که ماسوای آنان را در بر نمی‌گیرد و در مواردی به نحوی توسعه و شمول یافته که هر که ماسوای ایشان را در بر می‌گیرد.^۱ به عنوان نمونه، در قسمت اول می‌توان به بینش آنان در باب مدار مسلمانی و توسل و استعانت و در قسمت دوم به مدار بدعت، کفر و شرک اشاره نمود.

– پای‌بندی به لوازم غیر مرتبط

علاوه بر این قبض و بسط در مرحله مراد شناسی، لوازمی را بر برخی احکام بار نمودند که نه لازمه عقلی آن بود و نه لازمه شرعی آن و نه حتی لازمه عرفی و عادی آن؛ از جمله این لوازم، کافر شدن مرتکب برخی محرمات از جمله زائر، و مشرک گشتن متوسل و مستعین از غیر خدا بود؛ زیرا به فرض که کسی همه منابع متقن و روشن در مشروعیت زیارت را به کناری زند و قائل به عدم مشروعیت آن گردد و نیز از این فراتر رود و قائل به حرمت آن شود، ممکن نیست فاصله و بُعد طولانی حرمت تا کفر با روشی علمی پر شود و نیز به فرض آنکه رسول خدا(ص) توان شنیدن حاجات امت را نداشته باشد تا اجابت نماید، خروجی آن تنها لغویت حاجت خواهی خواهد بود؛ زیرا از کسی حاجتی خواسته که او نمی‌شنود و این ربطی به شرک ندارد و هرگز نمی‌توان بر اساس روش‌مندی علمی، لغویت را به شرک دوخت.

– عدم امکان ارزیابی علمی

وقتی زاویه دیدی از روش‌مندی علمی محروم بود، ارزش علمی ندارد و موضوع ارزش‌گذاری و ارزیابی علمی در آن منتفی خواهد بود، به همین جهت است که سران این انحراف از ارائه نظریاتشان به شخصیت‌ها و مجامع علمی امتناع ورزیده‌اند؛ چنان که سلیمان بن عبدالوهاب در مورد تن ندادن برادرش به سنجش افکار او از سوی علمای اهل سنت می‌نویسد: «... و آن‌گاه که از وی (محمد) می‌خواستیم تا سخنش را به اهل علم عرضه نماید، چنین نمی‌کرد».



۱. همان، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۴.

با توجه به فقر مذکور در جنبه های مختلف، آنچه به نظر می رسد، آن است که سرچشمه بیشتر استنباط پیشگامان این انحراف، همان نکته ای است که ابن تیمیه حرانی بدان تصریح نموده است:

«قلب المعمور بالتقوی إذا رجح بمجرد رأیه فهو ترجیح شرعی؛ فمتی ما وقع عنده وحصل فی قلبه ما بطن معه أن هذا الأمر أو هذا الكلام أرضی لله ورسوله، كان هذا ترجیحاً بدلیل شرعی».

وی رجحان امری را در قلب متقی، رجحانی شرعی می‌داند و از آن به الهام تعبیر می‌نماید؛ به طوری که آن را قوی تر از ظواهر و استصحاب در مراحل استنباط معارف اسلامی می‌داند و بر مدعای خود چنین استدلال می‌کند:

رسول خدا(ص) فرمود:

«نماز نور و صدقه برهان و صبر چراغ است» کسی که نور و برهان و چراغ دارد، چگونه حقایق اشیا را از ضمن سخنان یاران و به خصوص احادیث نبوی نمی‌فهمد؟ بلکه به نحو تام و تمام آن را خواهد فهمید؛ زیرا که او قصد عمل بدان را دارد. لذا در صورت امتثال فرامین الهی و دوستی خدا و رسول، در فهم این اشیا یاری خواهد شد تا جایی که محب، از ضمن سخن محبوبش به مراد او تلویحاً و نه تصریحاً پی خواهد برد.^۱

در نتیجه مهم‌ترین رسالت علمای معاصر در راستای رسالت تبیینی، مقابله با بومی شدن این ذهنیت و حاکمیت عناصر درونی آن بر فضاها و کانون‌های علمی است تا معارف بلند اسلامی از ابتلا به انحرافات بنیادین و ساختار شکنانه محفوظ و مصون ماند و به ورطه انحطاط و تباهی گام نهد؛

و نیز شاید بتوان ریشه قساوت خاص آنان را که در قالب مذهب اعمال می‌شود و شاخصه رفتاری آنان می‌باشد، در این رجحان قلبی جستجو نمود که در نتیجه آن رضایت الهی را کشف می‌نمایند قساوتی که به تعبیر سلیمان بن عبدالوهاب، نمونه آن را تنها می‌توان در عبدالملک بن مروان سراغ گرفت.^۲

۱. مجموع الفتاوی، عبدالحلیم بن احمد بن تیمیه الحرانی، ج ۲۰ ص ۴۲ - ۴۷؛ المنتخب من کتب ابن تیمیه، علوی

بن عبد القادر السقاف، ص ۲۴۱.

۲. الصواعق الإلهیة فی الرد علی الوهابیة، سلیمان بن عبد الوهاب، ص ۱۱.

با ملاحظه آنچه ارائه شد، به این نتیجه نائل خواهیم شد که اصولاً ذهنیتی که از شاخصه های علمی تهی است، در مواردی که یک فهم بر اصول علمی استوار باشد، از تولید علم محروم خواهد بود. چنین ذهنی است که به دلیل فقر که مقتضای طبیعت آن است، در اعمال خبرویت به منظور فهم مفهومی ناکام است و نیز به لحاظ آشفتنگی که از آن جدایی ناپذیر است، در مرحله کشف مراد، موسع را تنگ و مضیق را گشاده می انگارد و یا در مواردی که حصر و اختصاصی در میان نیست، حصر و اختصاص می فهمد و نیز لوازمی غیر مرتبط را بر برخی احکام بار می نماید که می توان آن را ذهنیتی عوامانه نامید.

در نتیجه مهم ترین رسالت علمای معاصر در راستای رسالت تبیینی، مقابله با بومی شدن این ذهنیت و حاکمیت عناصر درونی آن بر فضاها و کانون های علمی است تا معارف بلند اسلامی از ابتلا به انحرافات بنیادین و ساختارشکنانه محفوظ و مصون ماند و به ورطه انحطاط و تباهی گام ننهد؛ چرا که چنین ذهنیتی، هستی اسلام را به چالش می کشد و آن را از عرضه بر محافل علم و تمدن باز خواهد داشت.

۲. ضرورت پیشگیری از توسعه انسانی و فربهی جغرافیایی

پررنگ ترین جنبه فعالیت انحراف وهابی، جنبه تبلیغاتی آن است که به صورت خاص بر ذهنیت های هم سنخ خود یعنی توده عوام متمرکز شده و مهم ترین عنصر این تبلیغات نیز شعار توحید است و از آنجا که اکثریت جوامع اسلامی را عوام مردم تشکیل می دهد، رصد فعالیت آنان حائز اهمیت خواهد بود.

در ادامه به طور مختصر به بررسی لایه های تخریبی این انحراف از منظر جمعیتی می پردازیم:

ارتعاشات تبلیغی امواج این انحراف، خود به حلقه های کوچک تری تقسیم می شود که در واقع کانون همه آنها، همان نکاتی می باشد که در بخش قبل تحت عنوان ماهیت انحراف وهابی ارائه شد. در ادامه به برخی از این حلقه ها از منظری کلان اشاره می نمایم:

انتخاب اهالی نجد به عنوان کف این بستر - که عموماً بافتی متشکل از عوام ناآشنا به منابع و معارف اسلامی داشته است - نکته قابل تأملی است، به خصوص عوام حنابله آن که اصطکاک درون‌مذهبی هم با محمد بن عبدالوهاب ندارد و فقر علمی مورد نیاز وی نیز در آنجا بیداد می‌کرد.

صدقی زهاوی - عالم سنی منتقد وهابیان - در این باره می‌گوید:

«وقتی که ابن عبد الوهاب دید که اکثریت قریب به اتفاق ساکنان نجد از دنیای تمدن و فرهنگ، دور و ذهنیت ساده و فطرت عوامانه و نیز جهل بر آنها حاکم است، تا بدانجا که جایگاهی در آن وادی، برای دانش‌های عقلی باقی نمانده و بی‌رونق گشته‌اند، دریافت که دل‌های آماده‌ای برای کاشت بذر فساد و تحقق آنچه در ذهن می‌پروراند، یافته است و راهی برای دستیابی بدان در میان آنان نیافت، مگر آنکه ادعای روشنگری دینی و اجتهاد نماید.»^۱

البته این بستر از چند قرن پیش از محمد بن عبدالوهاب، از سوی ابن تیمیه حرانی که خود نیز حنبلی بود، فراهم شده بود. این نکته در فرازی از نامه ذهبی به ابن تیمیه، اشاره شده است. او که از معاصرین ابن تیمیه و از استوانه‌های علمی جامعه اهل سنت است، در وصف معظم پیروان ابن تیمیه بدو چنین می‌نگارد:

«آیا معظم پیروان را افراد سبک مغز و یا عوام کند ذهن و یا کم خرد تشکیل نمی‌دهد؟ اگر سخنم را نمی‌پذیری، آنان را عادلانه مورد سنجش قرار ده.»^۲

این کانون اولیه، بدون مانعی جدی به تدریج وسعت یافت تا آنکه خود را به عنصر سیاست و قدرت رساند و ائتلاف آن با این عنصر اساسی شکل گرفت. ثمره مهم این ائتلاف، تکرار نشدن سرنوشت ابن تیمیه در مورد محمد بن عبدالوهاب بود^۳ که در نتیجه آن انحراف، او از مصونیت منطقه‌ای برخوردار گشت.

۱. الفجر الصادق فی الرد علی منکری التوسل والکرامات والخوارق، جمیل أفندی صدقی الزهاوی (۱۹۸۴ م، مکتبه اشیق، استانبول ترکیه)، ص ۲۵.

۲. السیف الصقیل فی الرد علی ابن زفیل، علی بن عبد الکافی السبکی (مکتبه زهران)، ص ۲۱۸.

۳. وی پس از مناظرات فراوانی که علمای اهل سنت با او به راه انداختند، در دمشق بازداشت و زندانی شد و در همان جا نیز فوت کرد. الوافی بالوفیات، صفدی، (تحقیق: أحمد الأرنؤوط وترکی مصطفی، ۱۴۲۰ق / ۲۰۰۰م،

ارتعاشات بعدی این انحراف به عوام غیر حنابله از میان اهل سنت رسید و خود را به عنوان اسلام ناب جلوه‌گر نمود و بیشترین توفیق را در میان حنفیان مناطق دوردست یافت و حنفیان دیوبند بارزترین نمونه آن می‌باشند. البته کم‌ترین توفیق را نیز در میان شافعی‌ها داشته است.

دامنه تخریبی این انحراف، به فضای درونی اهل سنت محدود نشد و با شعار توحید، در فضای محدودی از شیعه که احیاناً از آن با عنوان وهابیت وطنی یاد می‌شود، رخنه نمود.

تبلیغات گسترده به همراه شعارهای توحیدی و حمایت عناصر ثروت و قدرت، دامنه نفوذ انحراف وهابی را افزایش داده و فربهی جغرافیایی و جمعیتی برای آن

در پی داشته است که قهراً بر توان تأثیر گذاری آن در جهان اسلام خواهد افزود.

قهراً رصد دامنه نفوذی این انحراف و نیز سنجش میزان شتاب آن، ضرورت دیگری را فراروی دانشمندان اسلامی در راستای نقد معرفتی این انحراف قرار خواهد داد، تا با تبیین زاویه انحرافی آن و نیز اطلاع‌رسانی به هنگام، اولاً از برد و

تبلیغات گسترده به همراه شعارهای توحیدی و حمایت عناصر ثروت و قدرت، دامنه نفوذ انحراف وهابی را افزایش داده و فربهی جغرافیایی و جمعیتی برای آن در پی داشته است که قهراً بر توان تأثیر گذاری آن در جهان اسلام خواهد افزود.

نیز شتاب تخریبی آن کاسته شود و ثانیاً بافت‌های آسیب‌دیده، بازسازی و غبار انحراف از دل‌ها زدوده گردد؛ چرا که اگر این انحراف به توسعه دامنه انسانی و جغرافیایی خود نپرداخته بود، محکوم به خمودی و اضمحلال می‌گشت و سرنوشت خوارچ و ابن تیمیه را تجربه می‌نمود.

بیروت، دار إحياء التراث، ج ۷، ص ۱۶/ الجوهري المنظم في زيارة القبر المكرم، أحمد بن حجر الهيتمي المكي الشافعي، (۱۲۷۹ق، بمصر)، ص ۲۲، به نقل از تقي الدين سبكي که ابن حجر هيتمي از او با تعبير «المجمع علي جلالته و اجتهاده و صلاحه و امامته» یاد می‌کند.

پیامبر وهابیت

جایگاه پیامبر اسلام(ص) در دیدگاه وهابیت

● سید مجتبیٰ عصیری

وهابیت همواره به عنوان یک پدیدهٔ دینی متفاوت با عقاید قاطبهٔ مسلمانان ظهور داشته است و در سایه ترویج چنین عقایدی است که بدبینی برخی نسبت به آموزه‌های اصیل اسلام و شخصیت‌های بی‌بدیل آن، پدیدار گشته است. در حقیقت این عقاید ارتباط چندانی به اهل سنت نیز ندارد، زیرا در بسیاری از این نوشتارها به کلمات کسانی همچون ابن تیمیه استشهد می‌شود که در دیدگاه اهل سنت نیز دارای جایگاه مناسبی نمی‌باشند، خصوصاً که اولین منتقدان افکار وهابیت، اهل سنت بوده‌اند. آنچه در این نوشتار می‌آید بخشی از معتقدات خاصی است که وهابیت دربارهٔ پیامبر اسلام ابراز نموده است و شگفتی این است که همواره و در همه جا بر این عقاید خاص اصرار می‌ورزد و به تبلیغ و نشر آن می‌پردازد. باورهایی که در صورت التزام حقیقی به آن، نتایج بسیار آسفباری خواهد داشت. مقدس‌ترین شخصیت نزد مسلمانان، شخصیت پیامبر اکرم(ص) می‌باشد که خداوند بوسیلهٔ او کامل‌ترین دین خویش را برای هدایت همه انسان‌ها فرستاده است و کامل‌ترین مخلوق خداوند نیز می‌باشد، لکن نگاه وهابیت به این شخصیت عظیم فاصله فراوانی با دیدگاه مسلمانان پیدا کرده است که در سطور آینده بدان خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که اولاً در برخی از نقل قول‌ها به آدرس سایت‌های اینترنتی

اشاره شده است و سبب آن این نکته است که هنوز مطالب آن سایت‌ها در قالب کتاب در نیامده است تا به کتاب مربوطه ارجاع شود، لکن در استناد و انتساب این سایت‌ها به وهابیت هیچ تردیدی وجود ندارد.

ثانیاً غرض نگارنده بر توصیف و گزارش باورهای وهابیت بوده است و به نقد این سخنان نپرداخته است، زیرا بطلان برخی از این گفتارها کاملاً آشکار است و برخی دیگر نیز نیازمند پژوهش مستقل می‌باشد که از هدف اصلی این نگاشته، خارج است.

در این مجال بر آن شدیم تا پیامبر اکرم(ص) را از منظر وهابیت، بهتر بشناسیم تا جایگاه و منزلت فخر بشر و سید رُسل نیز نزد این قوم مشخص گردد

پیامبر اکرم(ص) می‌باشد که خداوند بوسیله او کامل‌ترین دین خویش را برای هدایت همه انسان‌ها فرستاده است و کامل‌ترین مخلوق خداوند نیز می‌باشد، لکن نگاه وهابیت به این شخصیت عظیم فاصله فراوانی با دیدگاه مسلمانان پیدا کرده است.

و در منشأ این سخنان که برگرفته از روایات و کتاب‌های مشهور به صحاح سته (شش‌گانه) اهل سنت است، لختی بیندیشیم. در سخنان

آنان، شخصیت و قداست رسول خدا(ص) مورد هتک و هجوم قرار گرفته و تا حدّ و اندازه شخصی هوسران، فراموشکار، نا آشنا با امور دنیا، بی‌عدالت در مورد همسران خود، سحر شده و... تنزل یافته است.

این در حالی است که با اندک تأملی در آیات، روایات و به حکم عقل و تاریخ روشن می‌شود که این همه دروغی بیش نیست و حاکمان وقت برای توجیه اعمال زشت و خلاف خود، همچون غصب خلافت الهی و سوار شدن بر گردن مردم، باج‌های کلان به جیب راویان دین‌فروش ریخته‌اند تا شاید از این رهگذر بتوانند اندکی خود را موجه جلوه دهند.

فتاوا و دیدگاه‌های وهابیت

آنچه در ذیل می‌آید، تنها آن بخش از اهانت‌هایی است که در سال‌های اخیر از سوی علمای وهابیت عنوان شده و برای رعایت اختصار، از آوردن روایات و مستندات این سخنان که روایاتی از صحیح بخاری و مسلم است، خودداری می‌کنیم.



۱. فتاوی توهین آمیز وهابیت به مقام شامخ پیامبر اکرم (ص)

بنیان اعتقادی و مبانی فکری وهابیت برگرفته از آموزه‌های تند و رادیکالیسمی است که ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) آن را در قرن هفتم هجری پایه نهاد و چهار قرن پس از وی با پیمانی تاریخی که میان محمد بن عبد الوهاب (م ۱۲۰۵ ق) و حاکمان وقت آل سعود بسته شد، روند افراطی‌گری تشدید گردید و نهایتاً در سال ۱۳۴۴ ق، ابن بلیهد - یکی از علمای وهابی حجاز - فتوایی صادر کرد و پانزده تن از علمای دیگر شهر مدینه نیز حمایت کردند. طی این فتوا، فرمان به تخریب آثار و شعائر اسلامی سرزمین وحی داده شد و زمینه صدور فتاوی بعدی مفتیان افراطی وهابی در تکفیر و کشتار شیعیان فراهم گردید که این داستان تا امروز ادامه داشته است.^{۲۱}

۲۱. مرحوم علامه محمد جواد بلاغی در کتاب *الرد علی الوهابیة* می‌نویسد: «در برخی روزنامه‌ها (روزنامه أم القرى شماره ۶۹، تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۴۴ ق) آمده بود: در ماه مبارک رمضان، شیخ عبدالله بن بلیهد - قاضی القضاة وهابی حجاز - شهر مکه را به قصد مدینه منوره ترک گفت. وی در جمع علمای شهر مدینه درباره مسائل مختلفی به گفتگو پرداخت و در پایان، نظر آنان را درباره متنی که موضوع آن از قرار زیر است، خواستار شد:

بسم الله الرحمن الرحيم. نظر و فتوای علمای شهر مدینه منوره - که خداوند فهم و علم آنان را افزون نماید - در مورد ساخت بنا بر فراز قبرها و مسجد قرار دادن آن اماکن چیست؟ و اگر چنین اقدامی جایز نیست و این اقدام عملی ممنوع و مورد نهي شدید است، آیا می‌توان از نیاز گزاردن در این گونه اماکن ممانعت و آنجا را تخریب نمود؟ آیا اگر چنین بنایی در جاهایی همچون قبرستان بقیع مانع بهره‌برداری از زمین‌های موجود در آن گردد، باید نیاز خواندن در این گونه اماکن منع گردد و ساختمان تخریب گردد؟ و آیا در چنین صورتی این کار به عنوان غضب به شمار می‌آید و لازم است که غضب صورت گرفته، برطرف گردد؟ چون در این صورت به صاحبان حق، ظلم روا داشته شده و از آنچه استحقاق آن را داشته، منع گردیده‌اند. آیا کارهایی که افرادی جاهل در کنار ضریح‌های موجود در قبرستان بقیع انجام می‌دهند از قبیل دست کشیدن به ضریح، دعا کردن، انجام نذورات و روشن کردن چراغ در آن مکان جایز می‌باشد؟ آیا کارهایی که در کنار حجره پیامبر گرامی اسلام (ص) صورت می‌گیرد از قبیل روکردن به آن مکان به هنگام دعا و غیر دعا، طواف کردن به دور آن، بوسیدن و دست کشیدن به آن مکان چه حکمی دارد؟ و یا آیا آنچه در مسجد نبوی صورت می‌گیرد از قبیل درخواست رحمت و یا ذکر گفتن بین اذان و اقامه قبل از فجر و یا روز جمعه جایز می‌باشد؟

خداوند به شما خیر عطا فرماید! در موارد فوق فتوای خود را به همراه دلایل مورد استناد خود بیان فرمایید. امیدوارم در موضوعات علمی همچنان ملجأ و پناه عموم مردم باشید».

اما جوابی که از سوی علمای مدینه به سؤالات فوق داده شد، از این قرار است:

از همان زمان بود که وهابیان پس از اشغال شهر مکه، به مدینه روی آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر، آن را اشغال کردند و قبور ائمه بقیع و دیگر قبور همچون قبر ابراهیم فرزند پیامبر و همسران آن حضرت، قبر ام البنین مادر حضرت عباس، قُبّه عبدالله پدر پیامبر، اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) و قُبّه همه صحابه و تابعین را بدون استثنا خراب کردند.^{۲۲}

«همه علما بر این مطلب اجماع دارند که بنا کردن ساختمان به روی قبور ممنوع است؛ چرا که احادیث صحیح السندی در منع چنین کاری وارد شده‌اند و گروه زیادی از علما به وجوب تخریب چنین اماکنی فتوا داده و فتوای خویش را به روایتی از علی (رضی الله عنه) مستند دانسته‌اند که خطاب به ابوالهیاج گفته است: «ألا أبعثک علی ما بعثني علیه رسول الله صلی الله علیه وسلّم، أن لا تدع تمثالاً إلاّ طمسته، ولا قبراً مشرفاً إلاّ سويته؛ آیا تو را برای کاری که پیامبر اکرم (ص) مرا برای انجام آن مأمور ساخت، اعزام نکنم؟ پیامبر (ص) به من امر فرمود: هیچ تمثالی را به جای نگذار و همه آنها را از بین ببر! هر قبری را که از زمین برآمده، با زمین هم سطح کن!» این حدیث را مسلم روایت نموده است. «همچنین مسجد قرار دادن قبور، نیازگزاردن و روشن کردن چراغ در آن اماکن، مطلقاً ممنوع می‌باشد و علت آن هم حدیثی است که ابن عباس روایت کرده است: «لعن رسول الله زائرات القبور، والمتخذين عليها المساجد والسرج؛ پیامبر گرامی (ص) زائران قبور و کسانی را که بر فراز قبور چراغ روشن می‌نمایند، لعن فرموده است». این روایت را صاحبان سنن روایت نموده‌اند. همچنین برخی رفتارها که از مشتی افراد جاهل در کنار ضریح‌ها سر می‌زند از قبیل دست کشیدن به ضریح، انجام قربانی و نذورات به منظور تقرب جستن به سوی آنها و نیز دعا کردن برای نزدیکان و اعضای خانواده خویش در آن مکان، اعمالی حرام و از نظر شرعی ممنوع می‌باشد که به هیچ وجه انجام آنها جایز نمی‌باشد. همچنین بهتر است از روکردن به سوی حجره پیامبر (ص) و دعا نمودن در آن مکان نیز خودداری شود؛ چرا که بهترین مکان برای توجّه و روکردن به سوی آن، جهت قبله است، اما طواف نمودن گِرد حجره پیامبر (ص) و دست کشیدن به آن و بوسیدن آن مطلقاً ممنوع می‌باشد؛ همچنین ذکر گفتن و درود و صلوات فرستادن در اوقات مذکور ممنوع می‌باشد چنان‌که این موارد در احادیث روایت شده است. این تمام آن چیزی بود که در محدوده علم ناقص ما می‌گنجید».

متن فوق با امضای ۱۵ تن از علمای شهر مدینه منوره مَهر گردیده است. آن‌گاه همان روزنامه (ام القری) در حاشیه خبر فوق آورده است: «دستگاه‌های حکومتی به زودی احکام دینی را به اجرا خواهند گذارد، خواه مردم، خوش بدارند یا ندارند!»

۲۲. به عنوان مثال، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف) تخریب آثار بزرگان در شهر مکه: در سال ۱۲۱۸ ق پس از تسلط وهابیان بر شهر مکه مکرمه، تمام آثار بزرگان از جمله قُبّه زادگاه پیامبر گرامی (ص) در «مُعَلّی»، قُبّه زادگاه علی بن ابی طالب (ع)، قُبّه زادگاه حضرت خدیجه (س)، آثار باستانی اطراف خانه خدا، آثار باستانی باقی‌مانده بر روی چاه زمزم و نیز بسیاری از آثار صالحان را که یادمانی از عهد نبوی (ص) بود، نابود کردند و هنگام تخریب به نواختن طبل و رقص و آواز خوانی مشغول گردیدند. (ر. ک: کشف الاریاب، علامه سید محسن امین، ص ۲۷، به نقل از تاریخ «الجبرتی»).

۲. فتوای هیئت عالی افتای عربستان در عدم جواز اهدای ثواب به پیامبر(ص)

شأن، مقام و جایگاه رسول خدا نزد بزرگان و هابیت تا بدان جاست که هیئت دائمی افتاء در عربستان سعودی که متشکل از چند تن از بزرگ‌ترین علما و مفتیان اعظم آن سرزمین است، در فتوایی چنین حکم داده‌اند: «اهدا ثواب و ختم قرآن برای رسول گرامی جایز نمی‌باشد، چون اصحاب پیامبر و دیگران چنین

ب) تبدیل خانه ام‌المؤمنین خدیجه کبرا به دستشویی و توالی: رفاعی، یکی از علمای بزرگ اهل سنت کویت، خطاب به علمای وهابی عربستان می‌نویسد: «رَضِيتُمْ وَلَمْ تُعَارِضُوا هَذِمَ بَيْتِ السَّيِّدَةِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَبِيبَةِ الْأُولَى لِرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَلَمْ كُنْ أَلَّذِي هُوَ مَهْبِطُ الْوَحْيِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ مِنْ رَبِّ الْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ، وَسَكَّتُمْ عَلَى هَذَا الْهُدْمِ رَاضِينَ أَنْ يَكُونَ الْمَكَانُ بَعْدَ هَدْمِهِ دُورَاتٍ مِيَاةٍ وَبِيُوتٍ خَلَاءٍ وَمِيَصَاتٍ، فَأَيُّ الْخَوْفِ مِنَ اللَّهِ؟ وَأَيُّ الْحَيَاءِ مِنْ رَسُولِهِ الْكَرِيمِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ؟» (شما به تخریب خانه ام‌المؤمنین خدیجه کبرا اولین حبیبه پیامبر(ص) رضایت دادید و هیچ عکس‌العملی از خود نشان ندادید، با اینکه آن مکان، محل نزول وحی قرآن بود و در برابر این جنایت سکوت انتخاب کردید و رضایت دادید که آن مکان مقدس به دستشویی و توالی مبدل شود. چرا از خدا نمی‌ترسید و از پیامبر اکرم(ص) حیا نمی‌کنید؟) (النصيحة لإخواننا علماء نجد، يوسف بن سيد هاشم رفاعي، ص ۵۹، با مقدمه دکتر محمد سعید رمضان البوطي).

ج) تبدیل زادگاه رسول خدا به محل خرید و فروش حیوانات: رفاعی در ادامه می‌نویسد: «حَاوَلْتُمْ وَلَا زَلْتُمْ مُحَاوَلُونَ وَجَعَلْتُمْ ذَابِكُمْ هَذِمَ الْبَقِيعَةَ الْبَاقِيَةَ مِنْ آثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَلَا وَهِيَ الْبَقِيعَةُ الشَّرِيفَةُ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا، الَّتِي هُدِمَتْ، ثُمَّ جُعِلَتْ سُوقًا لِلْبَهَائِمِ، ثُمَّ حَوَّلْنَا بِالْحَيْلَةِ الصَّالِحُونَ إِلَى مَكْتَبَةٍ هِيَ مَكْتَبَةُ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ»؛ زادگاه رسول اکرم(ص) را ویران و به محل خرید و فروش حیوانات تبدیل کردید که با تلاش افراد صالح و خیر، از چنگال وهابی‌ها در آمد و به کتابخانه مکه مکرمه مبدل گردید... (النصيحة لإخواننا علماء نجد، يوسف بن سيد هاشم رفاعي، ص ۶۰).

د) تخریب کتابخانه بزرگ مکه مکرمه: یکی دیگر از جنایات دردناکی که وهابیت انجام داد و لکه ننگ آن تا ابد در پرونده سیاه آنان باقی ماند، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المكتبة العربية» بود که مشتمل بر بیش از شصت هزار عنوان کتاب گران‌قدر و کم‌نظیر و بیش از چهل هزار نسخه خطی بی‌نظیر بود که در میان آنها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت، یهودیت، کفار قریش و همچنین آثار خطی امیر المؤمنین علی(ع)، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد و برخی دیگر از صحابه پیامبر گرامی اسلام(ص) و قرآن کریم به خط عبد الله بن مسعود وجود داشت.

همچنین در این کتابخانه انواع اسلحه‌های متعلق به رسول خدا(ص) و نیز بت‌هایی همچون «لات»، «عزی»، «مناة» و «هبل» که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بودند، به بهانه وجود کفریات به آتش کشیده شدند. (رک: تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۵۸؛ کشف الارتیاب، ص ۵۵، ۱۸۷، ۳۲۴؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۷؛ الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۱، ص ۸۱؛ آل سعود من أين إلى أين، ص ۴۷).

کاری نکرده‌اند»^{۲۳}

۳. فتوای هیئت عالی افتای عربستان در عدم جواز صلوات بر پیامبر(ص) قبل و

بعد از اذان

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی درباره درود و تحیت بر پیامبر اکرم(ص) فتوا می‌دهد:

درود و صلوات بر پیامبر، چه قبل و چه بعد از اذان، از بدعت‌هایی است که در دین ایجاد شده است»^{۲۴}.

۴. فتوای بن باز در عدم جواز جشن میلاد رسول اکرم(ص)

بن باز مفتی اعظم سابق سعودی می‌نویسد:

مراسم میلاد پیامبر اکرم جایز نیست؛ چون این عمل به سبب عدم انجام آن از سوی آن حضرت، خلفای راشدین، صحابه و دیگر تابعین، بدعت در دین به شمار می‌رود.^{۲۵}

زینی دحلان، مفتی مکه مکرمه، می‌نویسد:

«وهابی‌ها از درود فرستان به پیامبر گرامی(ص) بر روی منابر و پس از اذان، ممانعت می‌کردند. مرد صالح نابینایی را که اذان می‌گفت و پس از



۲۳. «لا يجوز إهداء الثواب للرسول صلى الله عليه وسلم، لا ختم القرآن ولا غيره، لأن السلف الصالح من الصحابة رضی الله عنهم، ومن بعدهم، لم يفعلوا ذلك».

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۳، ص ۴۸۱، فتوای شماره ۴.

<http://forum.hawahome.com/t۳۱۳۴۰۱.html>

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، المجلد التاسع (۷۱ من ۱۱۴)، ثواب القراءة للمیت، السؤال الثالث من الفتوی، رقم ۲۲۳۲، اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، عضو/ عبد الله بن غديان، نائب الرئيس/ عبد الرازق عفيفي، رئيس اللجنة/ عبد العزيز بن عبد الله بن باز، السؤال الثالث من الفتوی رقم ۲۶۳۴.

<http://www.al-eman.com/Feqh/viewchp.asp?CID=۷۱&CID=۲۶۲>

۲۴. «ذكرُ الصلاة والسلام على الرسول صلى الله عليه وسلم قبل الأذان، وهكذا الجهرُ بها بعد الأذان، مع الأذان، من البدع المحدثه في الدين». فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۲، ص ۵۰۱، فتوای شماره ۶.

۲۵. «لا يجوز الاحتفال بمولد الرسول صلى الله عليه وسلم ولا غيره؛ لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين، لأن الرسول لم يفعل ولا خلفاؤه الراشدون ولا غيرهم من الصحابة ولا التابعون لهم بإحسان في القرون المفضلة». مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ج ۱، ص ۱۸۳؛ فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۳، ص ۱۸.

اذان به رسول اکرم(ص) صلوات می‌فرستاد، نزد محمد بن عبد الوهاب آوردند. وی دستور داد مؤذن نابینا را به جرم درود بر حضرت بکشند. اگر بنا باشد، این قبیل کارهای زشت وهابی‌ها را بنویسم، کاغذها سیاه و دفترها پُر خواهد شد.^{۲۶}

۵. فتوا به عدم جواز زیارت قبر پیامبر، سلام و دعا نزد قبر شریف

شیخ صالح فوزان عضو هیئت افتای سعودی فتوا داده است:

رفت و آمد زیاد به کنار قبر رسول اکرم(ص)، نشستن در آنجا، سلام دادن به حضرت و همچنین دعا کردن به این نیت که شاید در آنجا به اجابت برسد، از بدعت‌ها به شمار می‌آید.^{۲۷}

۶. فتوای شاگرد ابن تیمیه در تخریب مساجد بر فراز قبور

اِصرار و پافشاری بر تخریب آثار و نشانه‌های حرم نبوی تا جایی پیش رفت که در ابتدای امر، ابن قیم جوزیه، شاگرد ابن تیمیه و مروّج افکار وی، مسجد نبوی را به مسجد ضیّر تشبیه نمود و خواستار تخریب آن و دیگر مساجدی که در آن قبور انبیا و اولیای الهی مدفون است، گردید.

وی در کتاب خود می‌نویسد:

تخریب مسجد ضیّر از سوی پیامبر دلیلی است بر این مطلب که مساجدی که در آنها قبر وجود دارد، فاسدتر از مسجد ضیّر هستند. حکم اسلام درباره

۲۶. «وَيَمْنَعُونَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمَنَابِرِ، بَعْدَ الْأَذَانِ؛ حَتَّىٰ أَنْ رَجُلًا صَالِحًا كَانَ أَعْمَى، وَكَانَ مُؤَدِّنًا وَصَلَّىٰ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ الْأَذَانِ، بَعْدَ أَنْ كَانَ الْمَنَعُ مِنْهُمْ، فَأَتَوْا بِهِ إِلَىٰ ابْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ فَأَمَرَ بِهِ أَنْ يُقْتَلَ فُقُتِلَ، وَلَوْ تَبَعْتُ لَكَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ مِنْ أَمْثَالِ ذَلِكَ، لُمِلَّاتِ الدَّفَائِرِ وَالْأَوْرَاقِ». فتنه الوهابیه، احمد زینی دحلان، ص ۲۰.

تفصیل بیشتر درباره این گونه جنایات وهابیت را در کتاب شاخ شیطان در ردّ فرقه ضالّه وهابیت از همین نویسنده جویا شوید.

۲۷. «من البدع التي تقع عند قببة الرسول صلى الله عليه وسلم كثرة التردد عليه، كلما دخل المسجد ذهب يُسلم عليه، وكذلك الجلوس عنده، ومن البدع كذلك، الدعاء عند قبر الرسول صلى الله عليه وسلم أو غيره من القبور، مظنة أنّ الدعاء عنده يستجاب». مجلّة الدعوة، شماره ۱۶۱۲، ص ۳۷.

چنین مساجدی آن است که باید تمام آنها با خاک یکسان گردند و این کار از خراب کردن مسجد ضرار ضروری‌تر به نظر می‌رسد.^{۲۸}

۷. فتوای بن باز در تخریب مساجد بر فراز قبور

در دوران اخیر، بن باز - مفتی اعظم اسبق عربستان سعودی (م ۱۴۲۰ ق) - فتوا به وجوب تخریب قبر مطهر پیامبر اکرم (ص) صادر کرد و به جهت ترس از افکار عمومی جهان اسلام، آن را در پوشش لزوم تخریب تمام بقاع و بناهای موجود بر فراز قبور مخفی نمود.^{۲۹} او کسی است که از وی نقل شده همواره می‌گفت: خدا را شاکرم که سی سال امام جماعت مسجد النبی را به عهده داشتیم، اما هر بار که از کنار قبر پیامبر عبور کردم، به وی سلام ندادم؛ چرا که معتقدم او مُرده و از بین رفته است.^{۳۰}

۲۸. «وأبلغ من ذلك أن رسول الله هدم مسجد الضرار، ففي هذا دليل على هدم ما هو أعظم فساداً منه كالمساجد المبنية على القبور، فإن حكم الإسلام فيها أن تهدم كلها حتى تسوى بالأرض، وهي أولى بالهدم من مسجد الضرار! وكذلك القباب التي على القبور يجب هدمها كلها!» إغاثة اللهفان، ابن قيم جوزيه، ج ۱، ص ۲۱۰.

<http://www.aqaed.info/book/60/1000eshkal-04.html>

۲۹. «ما حكم البناء على القبر؟ وما الحكم لو كان البناء مسجداً؟ الجواب: أما البناء على القبور فهو محرم، سواء كان مسجداً أو قبة أو أي بناء، فإنه لا يجوز ذلك... والخلاصة أنه لا يجوز البناء على القبور، لا مسجد ولا غير مسجد ولا قبة، وأن هذا من المحرمات العظيمة، ومن وسائل الشرك فلا يجوز فعل ذلك، وإذا وقع فالواجب على ولاية الأمور إزالته وهدمه، وألا يبقى على القبور مساجد، ولا قباب؛

سؤال: فتوای شما درباره با ساخت بنا بر فراز قبرها حتی اگر این ساختمان مسجد باشد، چیست؟

پاسخ: ساخت بنا بر فراز قبرها حرام است، چه این بنا مسجد باشد، چه بقعه و یا هر بنای دیگر... و خلاصه آنکه این کار از بزرگ‌ترین محرمات و از جمله وسایل شرک الهی است که انجام آن جایز نمی‌باشد و اگر چنین اقدامی در هر جا اتفاق افتاد، بر حاکمان و رؤسای کشورهای اسلامی واجب است که این مساجد و ساختمان‌ها را با خاک یکسان سازند تا هیچ اثری از این مساجد باقی نماند.

<http://www.binbaz.org.sa/search>

۳۰. «ابن باز الذي نقلوا عنه أنه افتخر بأنه صلى إماماً في المسجد النبوي ثلاثين سنة، وكان يمر من عند قبر النبي ولم يسلم عليه ولا حتى مرة واحدة، لأن النبي رجل جاء ومضى!»

<http://www.aqaed.info/book/60/1000eshkal-04.html>

شاید به همین جهت است که خداوند او را در سنین نوجوانی مبتلا به بیماری چشم و اندکی بعد نابینا گردانید تا حتی از دیدن ظاهر قبر مطهر نبی مکرم اسلام محروم و مصداقی برای این آیه شریفه گردد: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي



۸. فتوای البانی بر دیوارکشی مقابل قبر پیامبر

از همه تأسف‌بارتر سخن محمد ناصر الدین البانی است که وی حتی دیده شدن قبر مطهر پیامبر اکرم(ص) را نیز برنتافته و آرزوی تخریب آن را از سال‌ها قبل داشته و چون این عمل تاکنون محقق نگردیده، از دولت عربستان سعودی مصرانه خواسته است که با کشیدن دیواری بلند، مانع دیده شدن قبر آن حضرت گردد. البانی کسی است که نزد وهابیت امروز به بخاری دوران شهرت دارد و تصحیحات وی درباره روایات اهل سنت را مقدم بر دیگر علمای بزرگ رجال می‌دانند. وی در کتاب خود *تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد*^{۳۱} چنین آورده است:

از موارد اسف‌باری که شاهد آن هستیم، گنبد خضرا و بلند مسجد النبی است که برفراز قبر پیامبر وجود دارد که از قرن‌ها قبل ساخته شده؛ در حالی که سال‌ها قبل می‌بایست تخریب می‌شد... واجب است مسجد نبوی به همان شکل سابق خود برگردد و بین مسجد و قبر پیامبر از طرف شمال تا جنوب دیواری کشیده و به طوری فاصله ایجاد شود که در مسجد نبوی هیچ چیز خلافی که مؤسس مسجد از آن راضی نیست، دیده نشود. اعتقاد دارم اگر دولت سعودی خود را پشتیبان توحید واقعی می‌داند، باید انجام این کار را بر خود واجب بداند و چه کسی برای انجام این کار از آنها شایسته‌تر؟^{۳۲}

۹. دیدگاه محمد بن عبدالوهاب و پیروانش درباره جایگاه پیامبر(ص) بعد از وفات

سید امین در کتاب *کشف الارتیاب* گفته است:

در کتاب *خلاصة الكلام* آمده است: محمد بن عبد الوهاب همواره درباره

الْآخِرَةَ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا) «اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است!» (سوره اسراء، آیه ۷۲).

۳۱. لزوم خودداری از عبادت در مساجدی که در آنها قبر وجود دارد.

۳۲. «ومما يؤسف له أن هذا البناء قد بني عليه منذ قرون إن لم يكن قد أزيل تلك القبة الخضراء العالية... فالواجب الرجوع بالمسجد النبوي إلى عهده السابق وذلك بالفصل بينه وبين القبر النبوي بحائط يمتد من الشمال إلى الجنوب بحيث أن الداخل إلى المسجد لا يرى فيه أي مخالفة لا ترضى مؤسسه صلى الله عليه وسلم، اعتقد أن هذا من الواجب على الدولة السعودية إذا كانت تريد أن تكون حامية التوحيد حقا... أرجو أن يحقق الله ذلك على يدها ومن أولى بذلك منها؟» تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد، ج ۱، ص ۶۸؛ محمد ناصر الدین الألبانی (م ۱۴۲۰ق)، الطبعة الرابعة، المكتب الإسلامي، بيروت.

رسول گرامی اسلام(ص) می‌گفت: پیامبر(ص) سخنی را نمی‌شنود و به همین جهت همواره یکی از پیروان او می‌گفت: عصای من، بیش از محمد به کار می‌آید؛ چرا که عصای من برای کشتن ماری به کار می‌آید، اما محمد مرده، از بین رفته و چیزی نمی‌شنود که بخواهد نفعی به دیگران برساند.^{۳۳}

۱۰. دیدگاه ابن تیمیه و پیروانش درباره شرک بودن زیارت پیامبر

از دیدگاه ابن تیمیه و پیروانش زیارت قبر نبی مکرم اسلام(ص) نوعی شرک و گمراهی از سوی شیطان به شمار می‌رود، حتی اگر زیارت به قصد جلب رضای خداوند سبحان و درک ثواب از سوی او صورت گرفته باشد. ابن تیمیه در یکی از نوشته‌های خود آورده است:

شیطان در مسیر انسان قرار گرفته و اعمال زشتش را نیکو جلوه داده تا وی به زیارت قبر پیامبر رود و چنین کسی با این کار خود شرک ورزیده؛ چرا که رضایت غیر خداوند را جلب کرده است.^{۳۴}

همو در جای دیگر این کار را همچون پرستش بت لات و عزّی دانسته است: «سرچشمه پرستش بت لات، تعظیم و بزرگداشت شخصی صالح است»^{۳۵}؛ یعنی بزرگداشت و احترام قبر پیامبر اکرم(ص) همچون احترام و بزرگداشت بت‌های لات و عزّی است.

۳۳. «جاء في خلاصة الكلام، ص ۲۳۰: كان محمد بن عبد الوهاب يقول عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم: إنه طارئ، وإن بعض أتباع هذا الشيخ كان يقول: عصاي هذه خير من محمد، لأنه يُنفع بها في قتل الحية، ومحمد قد مات، ولم يبق فيه نفع، وإنما هو طارئ ومضى». هذه هي الوهابية، علامة محمد جواد مغنیه، ص ۷۷، به نقل از كشف الارتباب، ص ۱۲۷، چاپ دوم.

<http://www.aqaed.info/book/505/vahhabia-02.html#ind6>

۳۴. «قد زين الشيطان لكثير من الناس سوء عملهم، واسترهم عن اخلاص الدين لربهم الى أنواع من الشرك، فيقصدون بالسفر والزيارة رضى غير رضى الله، والرغبة الى غيره، ويشدون الرحال الى قبر نبي...». هذه هي الوهابية، علامة محمد جواد مغنیه، ص ۶۳، به نقل از: اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة اهل الجحيم، ص ۴۵۷.

<http://www.aqaed.info/book/505/vahhabia-02.html>

۳۵. «ان اللات، وهي صنم، كان هب عبادتها تعظيم قبر رجل صالح أي ان تعظيم قبر الرسول يستتبع جعله صنماً تماماً كاللات والعزى». هذه هي الوهابية، علامة محمد جواد مغنیه، ص ۶۴، به نقل از اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة اهل الجحيم، ص ۳۳۳.

<http://www.aqaed.info/book/505/vahhabia-02.html>

مصیبت بزرگ‌تر آن است که وی در ادامه می‌گوید:

حتی اگر کسی قصد زیارت قبر رسول خدا را داشته باشد، این کار عین دشمنی با خدا، رسول خدا و دین او است و بدعتی در دین به شمار می‌رود که هرگز خدا اجازه آن را نداده است.^{۳۶}

انگیزه جعل روایات توهین آمیز به پیامبر اکرم(ص)

غرض جاعلان این‌گونه روایات از کاستن شخصیت پیامبر گرامی اسلام تا حد یک انسان عادی، چند چیز می‌تواند باشد:

۱. پایین آوردن اعتبار سخنان والا و ارزشمند پیامبر اکرم(ص) تا با این‌گونه روایات بتوانند بسیاری از سخنان آن حضرت را در بیان حقایق اسلام از اعتبار ساقط کنند.

۲. کسب ارزش و اعتبار لازم برای خلفا، تا بسیاری از قصورات و تقصیراتی که از آنان سر می‌زد، با همین روایات قابل توجیه باشد.

۳. فضیلت‌تراشی برای خلفا، تا بدین شکل بتوانند قداست و مقامی برای آنها کسب کنند.

۴. توجیه اعمال خلاف اخلاق حاکمان اموی که به سبب گرفتاری آنان به هرج و مرج شدید، فساد اخلاقی مفرط، عیاشی، می‌گساری، برگزاری مجالس شب‌نشینی، غنا و خوانندگی رواج فوق‌العاده‌ای پیدا نموده بودند که نمونه‌های روشنی از آن در تاریخ گزارش شده است.

بدیهی است این تناقض‌ها می‌توانست لطمه بزرگی به کیان حکومت آنان وارد سازد. بنابراین لازم بود در این مکتب، احادیثی به پیامبر(ص) نسبت داده شود که رفتار ایشان را در مسئله جانشینی پیامبر توجیه کند و کار آنان را مشروع جلوه دهد تا ایراد و اشکالی بر آنان باقی نماند.

۳۶. «اما اذا قصد الرجل الصلاة عند بعض قبور الانبياء، او بعض الصالحين متبركاً بالصلاة في تلك البقعة فهذا عين المحادة لله ورسوله، والمخالفة لدينه، وابتداع دين لم يأذن الله به». هذه هي الوهابية، علامه محمد جواد مغنیه، ص ۶۴، به نقل از اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة اهل الجحيم، ص ۳۳۴.

۵. توجیه رفتار خلاف شرع سرسلسله حکومت اموی، یعنی معاویه، در از بین بردن نام پیامبر اکرم(ص) که یکی از اهداف مهم، خطرناک و اسلام برانداز وی بود همان گونه که او نیز در صدد محو و نام آن حضرت از اذان بود.^{۳۷}

۶. توجیه بدعت‌های خلفا، به این گونه که با ساختن این احادیث، اگر از خلفا درباره احکام خداوند، عمل و یا سخنی خلاف شریعت سر زده است و طبق میل خود، آن را کم و زیاد کرده‌اند و یا بدعتی در دین گذاشته‌اند، با همین روایات کار آنان را صحیح جلوه دهند. این اقدام همان کاری است که بعدها رنگ علمی به خود گرفت و نام اجتهاد بر آن گذاشته شد و گفتند: اگر در موردی دیدیم که پیامبر(ص) حکمی صادر کرده و آن حکم در قرآن وجود ندارد، معلوم می‌شود که آن حکم ارتباط با وحی ندارد و از اجتهاد خود پیامبر سر چشمه گرفته است.

۳۷. در ملاقاتی که مغیره بن شعبه با معاویه داشت، مغیره به وی گفت: بنی هاشم دیگر اقتدار خود را از دست داده‌اند و از ناحیه آنان خطری حکومت تو را تهدید نمی‌کند. چه بهتر که در مورد آنان سخت‌گیری نکنی و آنان را مورد بذل و محبت قرار دهی. معاویه پاسخ داد: ابوبکر، عمر و عثمان آمدند و رفتند و از آنان جز نامی نمانده است، ولی هر روز پنج مرتبه فریاد «أشهد أن محمداً رسول الله» به گوش می‌رسد. «فَأَيُّ عَمَلٍ يَبْقَى مَعَ هَذَا لَا أُمَّ لَكَ؟! لَا وَاللَّهِ إِلَّا دَفْنَا دَفْنًا؛ با این وضع، دیگر چه چیزی برای ما بنی امیه باقی مانده است؟! به خدا سوگند تا نام پیامبر(ص) را دفن نکنم و از زبان‌ها نیندازم، آرام نخواهم گرفت».

الاجتار الموقفات، الزبير بن بكار، تحقيق سامي مكى العاني (قم، منشورات الشريف الرضى)، ص ۵۷۶؛ مروج الذهب، مسعودي، ج ۳، ص ۴۵۴، شرح حوادث سال ۲۱۲؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۱۳۰؛ النصائح الكافية، سيد محمد بن عقيل، ص ۱۲۴.

روزی معاویه همین که صدای مؤذن را که شهادت به رسالت پیامبر گرامی (ص) می‌داد شنید، با لحنی اعتراض‌آمیز گفت: «اللَّهُ أَبُوكَ يَا ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ كُنْتَ عَلِيَّ الْهَمِيمِ، مَا رَضِيَتْ لِنَفْسِكَ إِلَّا أَنْ يَقْرِنَ إِسْمَكَ بِاسْمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ آفرین بر تو ای فرزند عبد الله، همت بلندی داشتی! به کمتر از اینکه نامت کنار نام خدا بیاید، رضایت ندادی». شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

از این رو، محمد رشید رضا از علمای بزرگ اهل سنت، از یکی از دانشمندان بزرگ غربی چنین نقل قول می‌کند: «شایسته است مجسمه معاویه را از طلا بسازیم و در میدان پایتخت کشور قرار دهیم». از وی علت این سخن را پرسیدند، پاسخ داد: «لأنه هو الذي حوّل نظام الحكم الإسلامي عن قاعدته الديمقراطية إلى عصبية الغلب، ولولا ذلك لعم الإسلام العالم كله، ولكننا نحن الألمان وسائر شعوب أوروبا عربياً مسلمين؛ زیرا معاویه بود که نظام حکومت اسلامی را از نظام دموکراسی به نظام استبدادی تبدیل کرد. اگر معاویه این کار را نکرده بود، اسلام سراسر جهان را فرا گرفته بود و مردم آلمان و سایر کشورهای اروپایی همه مسلمانان عرب بودیم». تفسیر المنار، ج ۱۱، ص ۲۶۰؛ الوحي المحمّدي، ص ۲۳۲، محمود أبو رية، ص ۱۸۵ و مع رجال الفكر، ج ۱، ص ۲۹۹.

حالا این‌گونه روایات به اصطلاح صحیح اهل سنت را با این کلام امیرمؤمنان در نهج البلاغه درباره رسول خدا(ص) مقایسه کنید:

خداوند از همان زمان که رسول خدا(ص) را از شیر مادر گرفت، بزرگ‌ترین فرشته خویش را با وی همراه و به عنوان پاسبانی از او همراه وی ساخت که در شب و روز پیامبر را به راه‌های بزرگی و بهترین اخلاق راهبری کند.^{۳۸}

این سخن امام مذهب شیعه است و آن سخنان راویان معتبر مکتب خلفا در موضوع مورد بحث ماست. اینک تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. آری، نتیجه رها کردن مکتب اهل بیت(ع) که مفسران واقعی قرآن و صاحبان علوم و معارف الهی هستند، جز این نمی‌تواند باشد.

۳۸. «وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهٖ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَكْبَرَهُ مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْأَلُكَ بِهٖ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَتَحَاسِنَ الْأَخْلَاقِ الْعَالَمِ لِيَلْمَهُ وَتَهَارَهُ». نهج البلاغة، خطب الإمام علي (ع)، ج ۲، ص ۱۵۷.

من هو المُخْتَلَق، الشيعة أم الوهابية؟

● فيصل العياوى

يقع الكلام في هذا الموضوع في مباحث:

الأول: التعريف بالشيعة

١- تعريف الشيعة لغةً:

عُرِفَت الشيعة في اللغة: بأئهم قومٌ يتشيعون، أي: يهونون أهواء قوم ويتابعونهم. وشيعة الرجل: أصحابه وأتباعه، وكلّ قوم اجتمعوا على أمر فهم شيعة، وأصنافهم: شيع. قال الله تعالى: (كما فعل بأشياعهم من قبل) أي: بأمثالهم من الشيع الماضية. وشيعت فلاناً إذا خرجت معه لتودعه و تبلغه منزله^١.

وقال ابن الأثير: وأصل الشيعة الفرقة من الناس، وتقع على الواحد والاثنين والجمع، والمذكر والمؤنث بلفظ واحد ومعنى واحد، وقد غلب هذا الاسم على كل من يزعم أنه يتولى علياً وأهل بيته (عليهم السلام)، حتى صار لهم إسمًا خاصاً، فإذا قيل فلان من

١. كتاب العين للخليل الفراهيدي: ١٩١/٢.

الشيعة عرف أنه منهم، وفي مذهب الشيعة كذا: أي عندهم. وتجمع الشيعة على شيع^١.

٢- إطلالة على المذهب الشيعي:

مذهب الإمامية: هو أقدم المذاهب الإسلامية الكلامية الفقهية، يرجع في انتماؤه العقيدي والفكري إلى أئمة أهل البيت (ع) الإثني عشرية: علي بن أبي طالب، الحسن بن علي، الحسين بن علي، علي بن الحسين زين العابدين، محمد بن علي الباقر، جعفر بن محمد الصادق، موسى بن جعفر الكاظم، علي بن موسى الرضا، محمد بن علي الجواد، علي بن محمد الهادي، الحسن بن علي العسكري، والحجة بن الحسن المهدي (عليهم السلام).

وبه سمي بالإمامي وأتباعه بالإمامية، وقد سمي بالمذهب الجعفري نسبة إلى الإمام السادس من أئمة أهل البيت (ع)، أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق (ع) المتوفى سنة ١٤٨ هـ، وذلك لوفرة عطائه الفكري بالنسبة إلى باقي الأئمة من أهل البيت (ع)، ولأنه عاش فترة انطلاق الفكر الكلامي، والخلافات الفكرية في المفاهيم العقيدية وشؤونها الأخرى، وبرز أعلام الفكر الكلامي ومدارسه الأولى، كالجبرية والمعتزلة، وفترة توسع الفكري الفقهي، وظهور أصحاب المذاهب الفقهية أمثال: مالك بن أنس، وأبي حنيفة؛ حيث كان المسلمون آنذاك يتمايزون بالانتماء، فيقال: هذا من أتباع

المذهب الكلامي المعين، والمذهب الفقهي المعين^٢.

تمتاز مدرسة أهل البيت (ع) على مدرسة الخلفاء بأنها لا تعتبر أي كتاب عدا كتاب الله من أوله إلى آخره صحيحاً، ولا تقلد أي واحد من السلف الصالح من العلماء في ما اتخذ من رأي فقهي أو ما اعتبره صحيحاً من حديث مروى، خلافاً لما عليه مدرسة الخلفاء من تقليدهم العلماء الأربعة في الفقه وسدهم باب الاجتهاد على غيرهم إلى يومنا هذا،

روي عن أبي حنيفة
أنه قال: ما رأيت
أحداً أفقه من جعفر
بن محمد، لما أقدمه

١. النهاية في غريب الحديث لابن الأثير: ٥١٩/٢.

٢. المذاهب الإسلامية الخمسة تاريخ وتوثيق (الإمامي والحنفي والمالكي والشافعي والحنبلي) المذهب الإمامي

الدكتور عبد الهادي الفضلي، ص ٩.

المنصور الحيرة، بعث إليّ فقال: يا أبا حنيفة إنّ الناس قد فتنوا بجعفر بن محمّد، فهبيّ له من مسائلك تلك الصعاب، قال: فهبيّتُ له أربعين مسألة، ثمّ بعث إليّ أبو جعفر، فأتيته بالحيرة، فدخلت عليه و جعفر جالس عن يمينه، فلمّا بصرت بهما دخلني لجعفر من الهيبة ما لم يدخلني لأبي جعفر، فسلمت و إذن لي فجلست ثم التفت إلى جعفر، فقال: يا أبا عبد الله تعرف هذا، قال: نعم هذا أبو حنيفة، ثمّ اتبعها قد أتانا، ثمّ قال: يا أبا حنيفة هات مسائلك فسأل أبا عبد الله و ابتدأت أسأله، وكان يقول: في المسألة أنتم تقولون فيها كذا و كذا وأهل المدينة يقولون: كذا وكذا، ونحن نقول: كذا وكذا فربّما تابعنا وربّما تابع أهل المدينة، وربّما اختلفنا جميعاً، حتى أتيت على أربعين مسألة ما أكرم منها مسألة، ثمّ قال أبو حنيفة: أليس قد روينا أنّ أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس^١.

وذكر في مختصر التحفة الإثني عشرية: لولا السنتان لهلك النعمان^٢ يعني: الستين اللتين نهل فيهما أبو حنيفة من بحر علم الإمام الصادق (ع). وقال الحافظ شمس الدين الجزري: وثبت عندنا أنّ كلاً من الإمام مالك، وأبي حنيفة رحمهما الله تعالى، صحب الإمام أبا عبد الله جعفر بن محمّد الصادق، حتى قال أبو حنيفة: ما رأيت أفقه منه، وقد دخلني منه من الهيبة ما لم يدخلني من المنصور^٣. وعلّق الإمام أحمد بن حنبل على سند فيه الإمام علي الرضا، عن أبيه موسى الكاظم، عن أبيه جعفر الصادق، عن أبيه محمّد الباقر، عن أبيه علي زين العابدين، عن أبيه الحسين بن علي، عن أبيه علي بن أبي طالب، عن الرسول الأكرم (ص) قائلاً: لو

١. تهذيب الكامل يوسف بن عبد الرحمن أبو الحجاج المزني، ج ٥، ص ٧٩.

٢. مختصر التحفة الإثني عشرية محمود شكري الألوسي، ص ٩.

٣. اسنى المطالب في مناقب سيدنا علي بن أبي طالب، محمّد بن محمّد شمس الدين الجزري، ص ٥٥.

قرأت^١ هذا الإسناد على مجنون لبرئ من جنته^٢. والله درّ الإمام الشافعي حيث قال:

ولما رأيتُ الناسَ قد ذَهَبَتْ بِهِمْ	مذاهبُهُم في أَبْجَرِ الغيِّ والجَهْلِ
رَكِبْتُ على اسمِ اللهِ في سَفِينِ النجَا	وهمُ أَهلُ بيتِ المُصطَفَى خاتمِ الرسلِ
وأَمَسَكْتُ حَبْلَ اللهِ وهوَ ولاؤُهُم	كما قَدْ أَمَرْنَا بالتمسُّكِ بالحَبْلِ
إِذَا افترَقَتْ في الدينِ سَبْعُونَ فرقةً	ونيفٌ كما قد جاءَ في مُحْكَمِ النَقْلِ
ولم يكِ نَاجٍ مِنْهُمُ غَيْرَ فرقةٍ	فَقُلْ لي بها ياذا الرِجَاخَةَ والعَقْلِ
أَفي الفِسرَةِ الهِلاكِ آلُ مُحَمَّدٍ	أَمَ الفِرقةِ اللاتي نَجَتْ مِنْهُمُ؟ قُلْ لي
فإن قُلْتَ في النَّاجينَ فالقَوْلُ واحدٌ	وإن قُلْتَ في الهِلاكِ حَدَّتْ عَنِ العَدْلِ
إِذَا كانَ مَولى القومِ مِنْهُمُ فَإِنِّي	رَضيتُ بِهِمْ لا زالَ في ظِلِّهِمْ ظِلِّي
فَاحلِّ عَلَيَّ لي إماماً وَتَسَلَّهُ	وأنتَ مِنَ الباقينَ في أوسعِ الحِلِّ ^٣

فمن خلال ما تقدم يظهر جلياً أن منشاء مذهب أهل البيت (ع) أقدم المذاهب حيث إن أئمة المذاهب الأخرى تتلمذوا على أيادي أئمة الهدى من آل محمد (ص) وإن خالفوهم في الرأي وأخذوا بالقياس وأصبحوا بعيدين عن منهج أئمة الهدى (ع).

٣- مصادر التشريع عند المذهب الإمامي:

إن مصادر التشريع التي ينهل فقهاء الإمامية من نَميرها لاستنباط الأحكام الشرعية ويفتون على ضوءها، هي أربعة، الكتاب، السنة، الإجماع والعقل. قال المحقق الكركي: فأقول: الطريق الموصلة إلى الأحكام - عندنا - أربعة: الكتاب، والسنة - متواترة وآحاداً - والإجماع، وأدلة العقل. أمّا الكتاب ففيه نص وظاهر، وهما معا دليلان. ويحتاج في ذلك إلى معرفة دلالات الألفاظ، والمحكم والمتشابه، والحقيقة

١. وفي بعض الكتب (قرى).

٢. الصواعق المحرقة، أحمد بن محمد ابن حجر الهيتمي، ص ٣١٠.

٣. خلاصة عبقات الأنوار، حامد حسين النقوي، ج ٤، ص ٢٩. لماذا اخترت مذهب أهل البيت، الشيخ محمد مرعى الإنطاكي، ص ٥٩. تقوية الإيمان، محمد بن عقيل، ص ٢٧. مع رجال الفكر في القاهرة، السيد مرتضى الرضوي، ج ١، ص ٣٩٤.

والمجاز، والأمر والنهي، والعام والخاص، والمطلق والمقيد، والمجمل والمبين، والظاهر والمؤول، والناسخ والمنسوخ... وبالنسبة إلى الجزئيات المستنبطة يراجع الآيات المشهورة (بالخمس مئة) التي هي مدار الفقه. وأما السنة: فيحتاج الاستنباط منها، ومعرفة دلالتها على الأحكام إلى معرفة عوارض الألفاظ المذكورة، فالمتواتر منها- طريق ضروري.

والآحاد، إمّا مشهور هو: ما زاد رواته على الثلاثة، ويسمى المستفيض، وحكمه كالمتواتر في وجوب العمل...، وإمّا غير المشهور وهو أصحابنا أربعة (صحيح، موثق، ضعيف)... فإذا تعارض هذه الأخبار قدّم الصحيح، فإذا لم يكن فالحسن وبعده الموثق ولا يعمل بالضعيف. وكيفية معرفة هذه الصفات بمراجعة الروايات والاطلاع على أحوال رجالها. أمّا الإجماع: فلا بدّ فيه من معرفة شرائطه وأحكامه على ما بحث فيه أهل الأصول. وأمّا أدلة العقل فأقول: أمّا أدلة المنطوق ثم تتبعها دلالة مفهوم الموافقة، وبعدها مفهوم المخالفة على القول بالعمل بدليل الخطاب، ومنها: البراءة الأصلية، يعتمد عليها ما لم يجد ما ينقل عنها من الأدلة السمعية. ومنها: الاستصحاب على القول بحجتيه - «المراد من الاستصحاب هنا ليس هو لاستصحاب الاصطلاحي، بل هو استصحاب حال العقل»، فإنّه يستصحب الحال الأوّل ما لم يجد من الأدلة ما تحيل عنه.

ومنها: اتحاد طريق المسألتين، وهو فرع من فروع الاستصحاب، يخالفه في بعض الأحكام (كما هو) مقرر في الأصول.

ومنها: تعدية الحكم من المنطوق إلى المسكوت الذي هو القياس، وقد وقع فيه الخلاف، فمقدمو أصحابنا لا يعملون بشيء منه، والمتأخرون عملوا بما نص على علّة حكم الأصل، إمّا بنص، أو إيماء، على ما تقرر في الأصول... ودليلنا على العمل بهذه الأدلة ما روي صحيحاً عن الصادق (ع)، رواه الشيخ المقداد في (تنقيحه): إنّه قال: «علينا أن نلقي

إليكم الأصول وعليكم أن تفرعوا» وهو دليل على وجوب الاجتهاد أيضاً^١.

٤- تقييم الكتب الحديثية للشيعة ويمكن تلخيص الكلام فيه كالتالي:

إنَّ أوَّل من دوَّن الحديث عند الشيعة هو الإمام علي (ع) حيث دوَّن ما أملاه عليه رسول الله (ص) في كتب، منها: الجامعة التي كان طولها سبعون ذراعاً في عرض الأديم ما على الأرض شي يحتاج إليه الناس من أحكام الإسلام إلا وهو فيه. ثم توارث الأئمة من ولده (عليهم السلام) كتبه ورووا منها عن رسول الله (ص) لتلاميذهم، ودوَّنوا من أصحابهم من دوَّن ما سمعه في رسائل صغار، وكان الشيخ الكليني (ت: ٣٢٩ هـ) أوَّل من ألف بمدرسة أهل البيت (ع) موسوعة حديثية عامّة جمع فيها ما أمكنه من تلكم الرسائل، ثم تلاه الشيخ الصدوق (ت: ٣٨١ هـ) وألف كذلك مدينة العلم وهي مفقودة على أثر حرق كتب أتباع مدرسة أهل البيت (ع) ومكتباتهم ومطاردتهم وتشريدتهم. وختم تأليف الموسوعات الحديثية العامّة بمدرسة أهل البيت بموسوعة العلامة المجلسي (ت: ١١١١ هـ) في الحديث وهو البحار، والعوالم للبحراني (من تلامذة المجلسي) واهتم علماء مدرسة أهل البيت بأحاديث الأحكام وعنوا بها عناية فائقة. وكان الشيخ الصدوق أوَّل من ألف موسوعة فقهية من الحديث سمّاها «من لا يحضره الفقيه»، وتلاه في ذلك الشيخ الطوسي (ت: ٤٦٠ هـ) وألف «الاستبصار» و«التهذيب». ثم اشتهر الكافي ومن لا يحضره الفقيه، والتهذيب والاستبصار من الموسوعات الحديثية اشتهاراً واسعاً، على أن الذي ألف بعدها جاء أوسع منها وأفضل تبويماً مثل الوسائل للشيخ الحر العاملي (ت: ١١٠٤ هـ) وجامع أحاديث الشيعة للسيد حسين بن علي البروجردي (ت: ١٣٨٠). وهذا الأخير أكثر إتقاناً وشمولاً من كلّ ما سبقه غير أن الفضل للمتقدم^٢.

١. نقلاً عن رسائل الكركي، ج ٣، ص ٤٠-٤٩.

٢. راجع: معالم المدرستين: ج ٣، ص ٢٧٨-٢٧٩.

٥- امتيازات مدرسة أهل البيت (ع):

تمتاز مدرسة أهل البيت (ع) على مدرسة الخلفاء بأنها لا تعتبر أي كتاب عدا كتاب الله من أوله إلى آخره صحيحاً، ولا تقلد أي واحد من السلف الصالح من العلماء في ما اتخذه من رأي فقهي أو ما اعتبره صحيحاً من حديث مروى، خلافاً لما عليه مدرسة الخلفاء من تقليدهم العلماء الأربعة في الفقه وسدهم باب الاجتهاد على غيرهم إلى يومنا هذا، وكذلك اعتبرهم ما ورد في الكتب الستة من الحديث صحيحاً وخاصة ما في صحيحي مسلم والبخاري وسدهم بذلك باب البحث العلمي في دراية الحديث على أنفسهم إلى اليوم.

٦- علماء الشيعة :

وقد حبا الله مذهب الإمامية بعلماء كثر زادوا عن حياض الشريعة طيلة القرون السالفة وكانوا ممدوحين حتى من قبل الخصوم، نشير إلى بعض بنحو الاختصار لا الحصر:

١. جابر بن يزيد الجعفي: وقد اتفق القاصي والداني على وثاقة هذا الرجل الجليل فقد ذكر صاحب ميزان الاعتدال: أنه أحد علماء الشيعة. له عن أبي الطفيل والشعبي وخلق. وعنه شعبة، وأبو عوانة، وعدة. قال ابن مهدي، عن سفيان: كان جابر الجعفي ورعا في الحديث، ما رأيت أروع منه في الحديث. وقال شعبة: صدوق. وقال يحيى بن أبي بكير، عن شعبة: كان جابر إذا قال: أخبرنا، وحدثنا، وسمعت - فهو من أوثق الناس. وقال وكيع: ما شككتكم في شيء فلا تشكوا أن جابراً الجعفي ثقة. وقال ابن عبد الحكم: سمعت الشافعي يقول: قال سفيان الثوري لشعبة: لئن تكلمت في جابر الجعفي لا تكلمن فيك^١.

٢. السيد محسن الحكيم، محسن بن مهدي بن صالح بن أحمد الطباطبائي الحكيم: مجتهد إمامي، نعت بالمرجع الشيعي الأعلى. ولد في بلدة بنت جبيل (بلبنان) وتعلم ونشأ في النجف. وكان أمين سر القيادة في ثورة العراق على البريطانيين (سنة ١٩٣٨) قبل أن

١. ميزان الاعتدال، ج ١، ص ٣٧٩.

يكون المرجع الأعلى. وصنف كتباً قيل: ٥٠ مؤلفاً أجلها «مستمسك العروة الوثقى» وتوضيح المسائل، وحقائق الأصول، ودليل الناسك في المناسك. ومن أعماله تأسيس المكتبة المعروفة باسم مكتبة آية الله الحكيم العامّة في النجف. وهو أوّل من أسس مكتبة عامّة فيها. وأنشأ لها فروعاً في العراق وأندونيسيا وسورية ولبنان. وتوفي ببغداد ودفن بالنجف^١. وهذان نموذجان لعلماء المهذب الحق وغيرهم الكثير ولم يداهنوا الظالم والمحتل على ما عليه علماء الوهابية كما سترى.

ثانياً: التعريف بالوهابية

١- من هم الوهابية؟

الوهابية: وهم أتباع محمّد بن عبد الوهاب (١١١٥ - ١٢٠٦) ابن سليمان النجدي رئيس الحنابلة بها^٢. وقد تفرعت الوهابية أتباع محمّد بن عبد الوهاب (ت: ١٢٠٦ هـ) والسلفية أتباع ابن تيمية أحمد بن عبد الحلّيم (ت: ٧٢٦ هـ) من الحنابلة وهم أتباع الإمام أحمد بن حنبل^٣. ولهذا يمكن أن يقال إنَّ أوّل من أسس الوهابية هو ابن تيمية وأوّل من وضع حجر الأساس لها أحمد بن حنبل. وابتداء ظهور محمّد بن عبد الوهاب هذا كان سنة ١١٤٣ هـ وإنّما أشتهر أمره بعد الخمسين فأظهر عقيدته الزائغة والزائغة في نجد وساعده علي إظهارها محمّد بن سعود أمير الدرعية بلاد مسيلمة الكذاب مجبرا أهلها على متابعة ابن عبد الوهاب، فتابعوه وما زال ينخدع له في هذا الأمر حي بعد حي من أحياء العرب حتى عمّت فتنته وكبرت شهرته واستفحل أمره فخافته البادية وكان يقول للناس ما أدعوكم إلّا إلى التوحيد وترك الشرك بالله تعالى في عبادته



١. الأعلام، الزركلي، ج ٥، ص ٢٩٠.

٢. الذريعة: ج ١٠، ص ٢٣٥.

٣. انظر: معالم المدرستين: ج ٣، ص ٢٧٨. والأمثل في تفسير كتاب الله المنزل: ج ١، ص ٢١٣-٢١٤.

وكانوا يمشون خلفه حيثما مشى حتى اتسع له الملك، أمّا ولادته فقد كانت سنة ١١١١هـ وتوفي سنة ١٢٠٧هـ وكان في ابتداء أمره من طلبة العلم يتردد على مكة والمدينة لأخذه عن علمائها ومن أخذ عنه في المدينة الشيخ محمد بن سليمان الكردي والشيخ محمد حياة السندي، وكان الشيخان المذكوران وغيرهما من المشايخ الذين أخذ عنهم يتفرسون فيه الغواية والإلحاد ويقولون سيُصل الله تعالى هذا، ويُصلُّ به من أشقاه من عباده، فكان الأمر كذلك. وقد ألف أخوه الشيخ سليمان كتاباً في الردِّ على ما أحدثه من البدع والعقائد الزائغة. وكان محمد هذا بادئ بدئه كما ذكره بعض كبار المؤلفين مولعاً بمطالعة أخبار من ادَّعي النبوة كاذباً كمسيلمة الكذاب وسجاح والأسود العنسي وطليحة الأسدي وأضرابهم فكان يضمّر في نفسه دعوى النبوة إلاّ أنّه لم يتمكن من إظهارها، وكان يسمي جماعته من أهل بلده الأنصار ويسمي متابعيه من الخارج المهاجرين. وكان يصرح بتكفير الأمة منذ ستائة سنة، ويكفر كلَّ من لا يتبعه وإن كان من أتقى المسلمين ويسميهم مشركين ويستحل دماءهم وأموالهم ويثبت الإيذان لمن أتبعه وإن كان من أفسق الناس. وكان - عليه ما يستحق من الله - ينتقص النبي (ص) كثيراً بعبارات مختلفة منها قوله فيه إنّه (طارش) وهو في لغة العامة بمعنى الشخص الذي يرسله أحد إلى غيره والعوام لا يستعملون هذه الكلمة فيمن به حرمة عندهم. ومنها قوله: إني نظرت في قصّة الحديدية فوجدت فيها كذا وكذا من الكذب إلى غير ذلك من الألفاظ الاستخفافية، حتى أنّ بعض أتباعه يقول بحضرته إن عصاي هذه خير من محمد لأنّي انتفع بها ومحمد قد مات فلم يبق فيه نفع وهو يرضي بكلامه وهذا كما تعلم كفر في المذاهب الأربعة. ومنها: أنّه كان يكره الصلاة على النبي (ص) وينهى عن ذكرها ليلة الجمعة وعن الجهر بها على المنابر ويعاقب من يفعل ذلك عقاباً شديداً حتى أنّه قتل رجلاً أعمى مؤذناً لم ينته عمّا أمره بتركه من ذكر الصلاة على النبي (ص) بعد الأذان ويلبس على أتباعه قائلًا إن ذلك كلّه محافظة على التوحيد.

قال العلامة السيد العلوي الحداد: إنَّ المحقق عندنا من أقواله وأفعاله ما يوجب خروجه عن القواعد الإسلامية لما أنه يستحل أموراً مجمعاً على تحريمها معلومة من الدين بالضرورة بلا تأويل سائغ وهو مع ذلك يتنقص الأنبياء والمرسلين والأولياء والصالحين^١. وكان ابن عبد الوهاب يأمر بحلق رؤس النساء أيضاً ممن اتبعنه، وفي مرة أمر امرأة دخلت في دينه أن تحلق رأسها فقالت له: لو أمرت بحلق اللحي للرجال لساغ أن تأمر بحلق رؤس النساء فإن شعر الرأس للنساء بمنزلة اللحية للرجال؟ فلم يجد لها جواباً^٢. فمن هذا تبيّن أن هذه الفرقة مُختلفة وليس لها أصل في الدين.

٢- مصادر التشريع عند الوهابية

تقدم أن الوهابية فرقة انشقت عن الحنابلة لذا هم فيما يتعلق بمصادر التشريع والاعتقاد لا يختلفون عنهم إلاّ بأمور تفرد بها ابن تيمية وتبعه فيها محمد بن عبد الوهاب. لذا فمصادر التشريع عندهم على ما ذكرها ابن القيم الجوزية هي:
 الأوّل: النصوص، فإذا وجد النص أفتى بموجبه ولم يلتفت إلى ما خلفه، ولذلك قدم النص على فتاوى الصحابة.
 الثاني: ما أفتى به الصحابة ولا يعلم مخالفاً فيه، فإذا وجد لبعضهم فتوى، ولم يعرف مخالفاً لها لم يعد إلى غيرها، ولم يقل إن ذلك اجتماع، بل يقول من ورعه في التعبير: لا أعلم شيئاً يدفعه.
 الثالث: أنّه إذا اختلف الصحابة تخيّر من أقوالهم أقربها إلى الكتاب والسنة ولم يخرج عن أقوالهم، فإن لم يتبيّن له موافقة أحد الأقوال حكى الخلاف، ولم يجزم بقول.
 الرابع: الأخذ بالمرسل والحديث الضعيف إذا لم يكن في الباب شيء يدفعه، وهو الذي رجّحه على القياس.

١. أنظر: الدرر السنية في الردّ على الوهابية طبع المطبعة الميمنية بمصر عام ١٣١٩ هـ وأعيد طبعه في استانبول تركية

بالأوفست عام ١٩٨٦ م.

٢. الفجر الصادق، الجميل صدقي الزهاوي: ١٦-٢١.

الخامس: إذا لم يكن عند الإمام أحمد في المسألة نصّ، ولا قول الصحابة أو واحد منهم، ولا أثر مرسل أو ضعيف، ذهب إلى القياس فاستعمله للضرورة، وقد نقل الخلال عن أحمد أنّه قال: سألت الشافعي عن القياس فقال: إنّما يصار إليه عند الضرورة^١.

٣- تقييم الكتب الحديثية عند الوهابية

قام الخلفاء الأوائل بمنع نشر حديث الرسول (ص) و نهوا المسلمين عن كتابته واستمر هذا المنع حتى عصر عمر بن عبد العزيز حين رفع الحظر عن تدوين حديث الرسول (ص) وأمر به، فتسابق محدثوا مدرستهم بتدوين ما كان متداولاً بينهم من الحديث وألفوا مختلف كتب الحديث، ثم اشتهر عندهم الكتب الستة الآتية بالصحاح:

أ - صحيح البخاري، تأليف محمد بن إسماعيل (ت: ٢٥٦هـ).

ب - صحيح مسلم بن الحجاج النيسابوري (ت: ٢٦١هـ).

ج - سنن ابن ماجه، تأليف محمد بن يزيد القزويني (ت: ٢٧٣هـ).

د - سنن أبي داود تأليف سليمان بن الأشعث السجستاني (ت: ٢٧٥هـ).

هـ - سنن الترمذي تأليف محمد بن عيسى الترمذي (ت: ٢٧٩هـ).

و - سنن النسائي تأليف أحمد بن شعيب النسائي (ت: ٢٠٣هـ). وبعضهم ذكر بدلاً

عن سنن النسائي، سنن الدارمي تأليف عبد الله بن عبد الرحمن (ت: ٢٥٥هـ) من

الصحاح الستة. وكان نتيجة ذلك أنّ علماء مدرسة الخلفاء بتقليدهم العلماء الستة في

تقييم الحديث، أو صدوا باب البحث العلمي في تمحيص الأحاديث على مدرسة

الخلفاء وقلّدوا العلماء الستة المذكورين خاصة البخاري ومسلم حتى اليوم^٢.

والغريب أنّهم يعتبرون كلما جاء في البخاري ومسلم صحيحاً ولا يمكن النقاش فيه،

١. أعلام الموقعين، ابن القيم الجوزية، ص ٢٢-٢٦

٢. معالم المدرستين: ج ٣، ص ٢٧٧-٢٧٨

ويشاركهم في هذه الكتب أهل السنّة والجماعة، وينفردون عنهم بما يلي:

١- كتب ابن تيمية

٢- كتب محمد بن عبد الوهاب، وعليها المعول عندهم.

٤- علماء الوهابية:

ويعتمد الوهابية في جميع أمورهم على كتب بعض العلماء المهمين عندهم كما قدمنا منهم:

١- ابن تيمية الحراني عبد الحليم بن عبد السلام بن تيمية، أبو محمد، وقيل أبو المحاسن الحراني الحنبلي، أحد علماء الحنابلة. ولد بحران في ثاني عشر شوال سنة سبع وعشرين وستائة، وسمع من عماد ابن منيع، ... وتفقه وبرع في الفقه، وتميز في عدّة فنون من الفضائل، ودرس ببلده وأفتى وخطب ووعظ وفسّر، وتولّى هذه المناصب عقيب موت والده، وعمره خمس وعشرون سنة إلى أن نزع عن البلد وهاجر إلى دمشق واستوطنها، بعد استيلاء التتار على حران^١.

قال الحافظ ابن حجر في ترجمة ابن تيمية: إنّ يتكلم على المنبر على طريقة المفسرين مع الفقه والحديث فيورد في ساعة من الكتاب والسنّة واللغة والنظر ما لا يقدر أحد أن يورده في عدّة مجالس، كأنّ هذه العلوم بين عينيه، فيأخذ منها ما يشاء ويذر، ومن ثمّ نسب أصحابه إلى الغلو فيه، واقتضى له ذلك العجب بنفسه، حتى زها على أبناء جنسه، واستشعر أنه مجتهد فصار يرد على صغير العلماء وكبيرهم، قويم وحديثهم حتى انتهى إلى عمر فخطأه في شيء... وقال في حقّ علي أخطأ في سبعة عشر شيئاً خالف فيها نص الكتاب^٢.

١. المنهل الصافي، لابن تغري بردي: ج ٢، ص ٩٢.

٢. الدرر الكامنة لابن حجر: ج ١، ص ١٤٤.

٢- محمد بن عبد الوهاب بن سليمان بن علي بن محمد بن أحمد...^١ ولد سنة ألف ومائة وخمس عشرة (١١١٥هـ)، من هجرة المصطفى، في بلدة العيننة على الصحيح^٢. والصحيح أنه ليس من تميم كما ادّعى صاحب كتاب علماء نجد، بل هو من أصل تركي فقد روي أن سليمان جدّه كان اسمه الحقيقي شولمان قرقوزي (أي بائع البطيخ) من يهود الدونمة، خرج من بلدة بورصة بتركيا، مع زوجته إلى بلاد الشام، فأصبح اسمه سليمان بن علي، واستقر في ضاحية (دوما) في دمشق، وأخذ يتاجر بالدين هذه المرة لا بالبطيخ، فاكتشفه أهالي سوريا، ورفضوا تجارته، وربطوا قدميه، وضربوه ضرباً أليماً، وبعد عشرة أيام أفلت من رباطه، وهرب إلى مصر، وما هي إلا مدّة وجيزة وطرده المصريون، فسار إلى الحجاز واستقر في مكة، وأخذ يشعّوذ فيها باسم الدين فاكتشفه أهالي مكة فطردوه، فسار إلى المدينة المنورة، لكنهم أيضاً طردوه. كل ذلك في مدّة لا تتجاوز الأربع سنوات، فغادر إلى نجد واستقر في بلدة اسمها العيننة، وهناك وجد مجالا خصباً للشعوذة، فاستقر بنجد وادّعى أنه من سلالة ربيعة، وأنه سافر به والده صغيراً إلى المغرب العربي^٣.

٣- الشيخ عبد الله الفيليبي هو الكولونيل هاري جون سانت فيليبي ولد في ٣ أبريل ١٨٨٥ في جزيرة سيلان (سريلانكا)، وانتقل مع أبيه إلى بريطانيا سنة ١٨٩١ وأكمل دراسته في جامعة كامبردج سنة ١٩٠٧، ثم درس التاريخ والقانون الهندي، وتعلم اللغات الفرنسية والألمانية والهندستانية والفارسية والعربية، وعاد إلى الشرق ضمن أفواج المخابرات البريطانية، أمثال كتشنر ولورنس ومكماهون، وكواستغفر الله ومس بل وكلايتون، وغلوب وولسون وغيرهم، يقول فيليبي (بعد أن يؤسنا من الحسين حركنا جنود الإخوان بقيادة خالد بن لؤي ويفصل الدويش وسلطان بن بجاد لسفك دماء جزيرة في الطائف

١. علماء نجد خلال ستة قرون للبسام: ج ١، ص ٢٦.

٢. روضة الأفكار لابن غنام: ج ١، ص ٢٥.

٣. الفرقة الوهابية في خدمة من؟ للسيد أبو العلي التقوي: ٢٩.

لتوقع الرعب في قلوب الحجازيين: البادية والحاضرة، ونوفر بها على بقية المدن الحجازية دماء أخرى إن أمكن الأمر، وإلا فإنّ دماء غزيرة لابدّ من إراقتها لأنّ الإنجليز قرروا إسقاط حكم الشريف حسين بأيّ ثمن بعد أن رفض الأمر والطلبات بإعطاء فلسطين لليهود المشردين المساكين، وبعد أن رفض الحسين ما عرضناه عليه بأن يكتفي بالحجاز وحده، وأن يغير وجهة نظره في توحيد البلاد العربية كلّها تحت حكمه^١.

ثالثاً: موقف المسلمين من الشيعة والوهابية عندما تراجع التاريخ الإسلامي برى بكل وضوح أنّ ما قامت به الفرقة الوهابية من سفك لدماء المسلمين في كافة بلاد الوطن العربي، بل تعدت ذلك إلى البلدان الإسلامية الأخرى، يعرف جيداً موقف الأمة الإسلامية وبالخصوص العلماء من هذه الفرقة المنحرفة، بينما ترى في الجانب الآخر أنّ هناك فتاوى تجوز التعبد بمذهب أهل البيت (ع) الذي تتبناه الشيعة الإمامية. وإليك بعض الكتب التي وردت في الرد على الوهابية من العامة:

١- الأوراق البغدادية للشيخ إبراهيم الراوي.

٢- الفجر الصادق في الرد على منكري التوسل والكرامات والخوارق لجميل صدقي أفندي الزهاوي.

٣- صلح الإخوان والمنحة الوهيبية للشيخ داود النقشبندي البغدادي المتوفى (١٢٩٩).

٤- الصواعق الآلهية للشيخ سليمان بن عبد الوهاب، أخ محمّد بن عبد الوهاب النجدي إمام مذهبهم، اسمه، طبع بمصر (١٣٠٦).

٥- الأصول الأربعة في ترديد الوهابية، للإمام النعمان حضرة الحاج محمّد حسن جان. وقد لقبهم كبار العلماء بالخوارج فهذا الشيخ سليمان الأخ الأكبر لمحمّد بن عبد الوهاب يقول في كتابه المتقدم: ابتلي الناس بمن يتسب إلى الكتاب والسنة ويستنبط من علومها ولا يبالي من خالفه. وإذا طلبت منه أن تعرض كلامه على أهل العلم لم يفعل بل يوجب على الناس الأخذ بقوله وبمفهومه و من خالفه فهو عنده كافر. هذا

١. تاريخ آل سعود، ناصر السعيد: ٣٥٩.

وهو لم يكن فيه خصلة واحدة من خصال الاجتهاد، ولا والله ولا عشر واحدة، ومع ذلك راج كلامه على كثير من الجهال^١ ويستدل على أن أتباع أخيه هم الخوارج عن الدين ثم يخاطب ذلك الأخ الضال (فانظر رحمك الله إلى طريقة أصحاب رسول الله في الإحجام عن تكفير من يدعي الإسلام هذا وهم الصحابة الذين يروون الأحاديث عن رسول الله (ص) فانظر إلى هدي أصحاب رسول الله (ص) وأئمة المسلمين لعل الله يهديك إلى أتباع سبيل المؤمنين، وينبهك من هذه البلية التي ترعمون الآن إنها السنة^٢.

وقال ابن عساكر:

إن جماعة من الحشوية الأوباش الرعاع المتوسمين بالحنبلية أظهروا ببغداد من البدع الفظيعة والمخازي الشنيعة ما لم يسمح به ملحد فضلاً عن موحد، ولا تجوز به قادح في أصل الشريعة ولا معطل، ونسبوا كل من ينزه الباري تعالى وجل عن النقائص والآفات وينفي عنه الحلول والتشبهات... إلى الكفر والطغيان، و منافاة أهل الحق والإيمان وثلب أهل الحق وعصابة الدين، ولعنهم في الجوامع والمشاهد والمحافل والمساجد والأسواق والطرقات؛ ثم غرهم الطمع والإهمال ومدّهم في طغيانهم الغي والضللال^٣.

وقال ابن حجر الهيتمي:

وإياك أن تصغي إلى ما في كتب ابن تيمية وتلميذه ابن قيم الجوزية وغيرهما ممن اتخذ إلهه هواه، وأضله الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة، فمن يهديه من بعد الله، وكيف تجاوز هؤلاء

١. الصواعق الألهية: ٢٥-٢٦.

٢. الصواعق الألهية: ٤٥.

٣. تبين كذب المفتري، لابن عساكر: ٣١٠.

الملحدون الحدود وتعدوا الرسوم وخرقوا سياج الشريعة و الحقيقة
فظنوا بذلك أنهم على هدى من ربهم^١.

وقال احمد بن زيني:

أمّا عن الوهابية، نابتة الحشوية الحديثة فإن ابن عبد الوهاب بعث
علماءه لمناظرة علماء مكة والمدينة (فلما وصلوا إلى الحرمين وذكروا
لعلماء الحرمين عقائدهم و ما تمسكوا به، رد عليهم علماء الحرمين،
وأقاموا عليهم الحجج والبراهين التي عجزوا عن دفعها، وتحقق
لعلماء الحرمين جهلهم و ضلالهم ووجدوهم مسخرة، كحمر
مستنفرة فرت من قسورة، ونظروا إلى عقائدهم فوجدوها مشتملة
على كثير من المكفرات فبعد أن أقاموا البرهان عليهم كتبوا عليهم
حجة عند قاضي الشرع بمكة تتضمن الحكم بكفرهم^٢.

ويقول عنهم سلامة القضاء الشافعي: واستغل أولئك النفر جهل كثير من أهل
العصر بتاريخ هذه الفرقة الجاهلة، فأوهموا الناس أنهم يمثلون السلف الصالح من
الصحابة و من بعدهم من التابعين لهم بإحسان، والتاريخ يشهد والعلم بكتاب الله
ينادي أنهم ما مثلوا إلا سلف سوء من أشياخ المشبهة وأئمة المجسمة، الذين يفسرون
الكتاب بأهوائهم، ويحملون السنة على آرائهم، ويتقولون على معاني كتاب الله،
ويضعون على رسول الله، ويأخذون بالضعيف إذا وافق منهم هوى، ويردون
الصحيح أو يشككون في صحته إذا كان حجة عليهم^٣.

رابعاً: نتيجة البحث بعدما قدمنا من تاريخ وإطالة على مذهب الشيعة والفرقة الوهابية
يظهر جلياً لمن كان عنده مسكه أنّ المذهب الذي يستقي من السنة المحمدية الأصيلة
ويجعل كلام الله هو الفاصل بين الحق والباطل و أنّ ما من رواية صحيحة إلا إذا وافقت

١. الفتاوى الحديثة: ٢٠٣.

٢. فتنة الوهابية، أحمد بن زيني دحلان: ٣.

٣. فرقان القرآن بين صفات الخالق و صفات الأكوان: ١٥.

القرآن الكريم وأنّ منبع وأساس هذه الفرقة هم أهل بيت النبوة الذين أوصى بهم القرآن ثم النبي الخاتم (ص) والمتمثلة بالمذهب الإمامي هم الأصل والحق عندهم. بينما ترى أنّ من يعتبر الروايات التي في البخاري ومسلم بمستوى واحد مع القرآن، بل وإذا لم يجد نص اجتهد برأيه، ويقوم مذهبه على سفك الدماء وتكفير المسلمين، ولم يتصل بالنبي الخاتم (ص) كما رأينا ذلك ممّا مرّ، أضف إلى ذلك أنّ هذه الفرقة نشأت من بين أحضان الاستعمار البريطاني كما أوضحنا سابقاً وكما نطالع في كتاب مذكرات المستر همفر. كل ذلك يثبت نتيجة واحدة وهي أن المختلق هم الفرقة الوهابية وهي فرقة منبوذة بين المسلمين كافة، إلا أنّ البعض يجاريهم خوف القتل والتدمير لأنّه دينهم ودينهم.

جنگ نرم!

فعالیت‌های سایت‌های فعال وهابیت

● سید سلمان هاشمی

پدیده جنگ نرم و تلاش‌های پشت پرده دشمنان مکتب تشیع، پدیده نوظهوری نیست و این مواجهه فرهنگی، از صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) آغاز شده بود. با نگاهی گذرا به تاریخچه تبلیغات و جنگ نرم دشمنان علیه اسلام و مکتب تشیع، در می‌یابیم که این امر تازگی ندارد و تاریخ اسلام و تشیع مملو از این گونه برنامه‌ها و حمله‌های تبلیغاتی است. در حکومت امویان و عباسیان جنگ نرم در قالب جعل احادیث نبوی، منع از کتابت حدیث، شعار «حسبنا کتاب الله» و تقطیع احادیث به گونه‌ای که بستری برای مشروعیت سیاست‌های عوام فریبانه‌شان بر ضد مکتب تشیع باشد، متداول و شایع بوده.

امروزه وهابیت به عنوان جریانی انحرافی در جهان اسلام و وابسته به استعمارگران، وظیفه جلوگیری از تداوم و گسترش اسلام اصیل را بر عهده دارد. تخریب و ایجاد تزلزل در مبانی فکری و اعتقادی مسلمانان، اصلی‌ترین محور فعالیت این جریان است و در سال‌های اخیر فعالیت‌های تبلیغی خود را توسعه بخشیده است.

وهابیت به دلیل افکار اعتقادی خاصی که در باب شفاعت، توسل، شرک و مانند آن دارد، در تعارض کامل با مذهب شیعه است. از این رو، همواره در تلاش است تا با تبلیغات

سازمان یافته با شیعه مقابله کند و خطر بزرگتر این گروه، به کارگیری روش‌های دور از منطق اسلامی است که در مسائل سیاسی و حکومتی در پیش گرفته است. ظهور گروه طالبان والقاعده نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست که سبب بهانه‌جویی غربی‌ها شد تا مسلمانان را به تروریسم و خشونت‌طلبی و مخالفت با تمدن متهم کنند. فضای مجازی و اینترنت نیز بستر بسیار مناسبی را برای تبلیغات و فعالیت‌های این گروه فراهم نموده است؛ به طوری که وب سایت‌های وهابی بسیاری علیه شیعه فعالیت می‌کنند. وهابیون با شروع جنگ سایبری جدید در فضای مجازی به گسترش اقدامات خود مبادرت نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به اقدام وهابیون در راه‌اندازی موتور جستجویی به نام گوگل/اسلامی اشاره کرد. سایت گوگل اسلامی یک موتور جستجو است که به سفارش آنان طراحی شده است. قابلیت سفارشی‌سازی جستجوی گوگل چند سالی است که هدف جستجو و

امروزه وهابیت به عنوان جریانی انحرافی در جهان اسلام و وابسته به استعمارگران، وظیفه جلوگیری از تداوم و گسترش اسلام اصیل را بر عهده دارد. تخریب و ایجاد تزلزل در مبانی فکری و اعتقادی مسلمانان، اصلی‌ترین محور فعالیت این جریان است.

در اینجاست که جهت‌گیری گردانندگان در نتایج به دست آمده بسیار اثرگذار است. این موتور جستجو برای استفاده کاربران مسلمان طراحی شده و مسائل مربوط

به مبانی و احکام اسلامی، غذای حلال، سایت‌های خبری و آموزش قرآن، جزو اولویت‌های آنهاست که کاربران به راحتی می‌توانند به این مطالب دسترسی پیدا کنند. همچنین این موتور در هنگام جستجو عکس‌ها و تصاویر مبتذل و نامناسب را به طور اتوماتیک حذف می‌کند.

بنا به گزارش‌ها، سایت گوگل اسلامی تمایلات شدیدی به مجموعه چند سایت:

Islamonline.net / islamway.com / islam2all.com / islam_guide.com / islamga.com / islammessage.com Islamweb.net

دارد.

این چند سایت از بارزترین سایت‌های دعوت به اسلام با گرایش شدید به وهابیت هستند که مبارزه با تفکر شیعه از مهم‌ترین برنامه‌های آنهاست. معرفی و تبلیغ برای چنین سایتی که هدف آن تعریف خاصی از اسلام و ارائه دیدگاهی ضد شیعه است، چندان جالب به نظر نمی‌رسد.

رویکردهای گوناگون سایت‌های وهابیت

برای آشنایی بیشتر محققان محترم، نگاهی اجمالی به سایت‌های معروف و فعال وهابیت می‌کنیم:

سایت‌های وهابیت را با توجه به رویکرد مقابله با شیعه و نحوه برخورد و حمله آنها، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

دسته اول: تهاجم به اصل شیعه

هدف این دسته از سایت‌ها، تهاجم به اصل تشیع است. در این گونه سایت‌ها، تلاش می‌شود تا تفکرات و عقاید شیعه را نزدیک به عقاید مسیحیت معرفی کنند؛ همان تفکری که یهود مطرح ساخته است. طبق این تفکر، اصل تشیع به مسیحیت بر می‌گردد که یهود آن تفکر را در ایران کاشته است. ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه خویش نیز به این مطلب اشاره کرده است: «الرافضة بذرة نصرانية غرستها اليهودية في ارض مجوسية»^۱.

شیعه را *الرافضة* می‌نامند و ریشه آن را مسیحی ذکر می‌کنند و ایران را بانام *مجوس* و دست نشانده یهود قلمداد می‌کنند.



<http://www.rohamaa.com/vb/image.phpu=۲۷۶۳&type=sigpic&dateline=۱۲۸۴۵۳۷۹۶۶>

برخی دیگر از سایت‌های مهم وهابیت بر ضد تشیع عبارت‌اند از: *فیصل نور*، *السرداب*، *کسرالصنم*، *اسلام تکس*، *عقیده*، *کتابخانه عقیده*، *البرهان*، *المهتدون*، *مشکاة الاسلامیة*، *حقائق الرافضة*، *عثمان الحمیس*.

^۱ - <http://www.rohamaa.com/vb/image.phpu=۲۷۶۳&type=sigpic&dateline=۱۲۸۴۵۳۷۹۶۶>

دسته دوم: تهاجم به مرجعیت شیعه

هدف برخی دیگر از سایت ها، مبارزه با مرجعیت شیعه است مانند سایت الامام الخميني(ره).



در این سایتها با محوریت شخصیت حضرت امام خمینی(ره) و مرجعیت شیعه و کشیدن کاریکاتور و القاب موهون، تلاش می‌نمایند تا از محبوبیت جهانی شخصیت‌های بزرگ شیعه خصوصاً حضرت امام خمینی(ره) در جهان اسلام بکاهند. سایت‌هایی از قبیل: *الرافضة، الصفویه، المجوس، حمير اليهود، العلمانية و العمامه* از این قبیلند.^۱

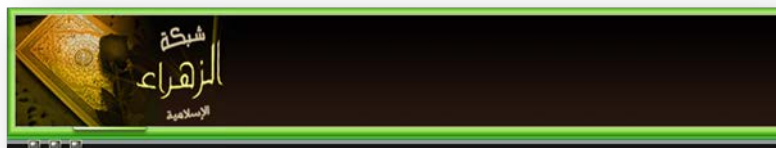


دسته سوم: استفاده ابزاری از نام اهل بیت(ع)

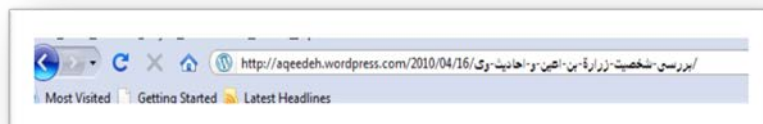
دسته دیگری از سایت‌های وهابیت، به نام بعضی از حضرات معصومین و با هدف جذب شیعیان و دعوت آنان به مذهب اهل سنت طراحی شده‌اند. در این سایت‌ها با استفاده ابزاری از نام معصومین می‌کوشند تا کاربران شیعه مذهب را نیز برای استفاده از سایت هایشان تحریک و جذب افکار انحطاطی و انحرافی

خویش نمایندند. بعضی از سایت ها به دروغ خود را مدافع حریم اهل بیت(ع) می دانند و در برخی موارد امام صادق(ع) را امام خود می خوانند؛

مانند: الزهراء(س)، المهدي، انصار اهل البيت، آل البيت، اهل البيت، انصار الحسين، انصار آل محمد(ص).



شناختند، تصمیم شوم خود را اجرا کرد و آن هم دروغ از جانب آل بیت لذا هر وقت وقتی را پیدا میکردند دروغهایی از این بزرگوار در کوفه منتشر می کرد. **این فکر نمی کرد که این خبر به امام بزرگ اهل سنت و جماعت یعنی امام صادق برسد** او هر وقت امام صادق باب میل او سخن



آنها برای اشاعه افکارشان نرم افزارهایی به نام *جعفرنا* و *جعفرهم* ساخته و کتابی نیز به نام *مهدینا* و *مهدیههم* منتشر نموده‌اند.^۱



دسته چهارم: القای شبهات

دسته چهارم، سایت یا تالارهای گفتگو (المنتديات) هستند که برای القای شبهات راه‌اندازی شده‌اند؛ مانند: حواریات عقائديه، منتديات شبکه اظهار الحق، منتديات انصار ال محمد (ص)، منتديات مكافحة الشيعة الروافض، منتديات الدفاع عن الصحابة، ملتقى اهل السنة والجماعة بالسودان، منتديات احد عشر امام، منتديات امام الزمان (عج).

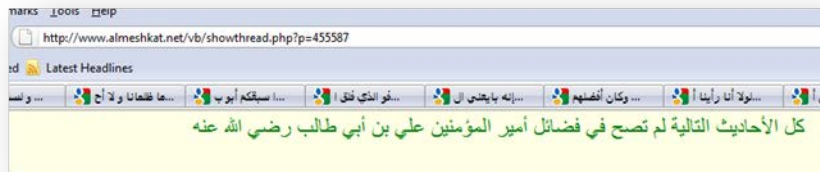


دسته پنجم: انکار حقایق و تحریف روایات

پاره‌ای دیگر از سایت‌های وابسته به وهابیت، کار انکار حقایق، افترا و دروغ بستن و تقطیع روایات را برعهده گرفته‌اند؛ مانند انکار بسیاری از فضایل غیر قابل انکار امیر المومنین (ع) که از مسلمات فریقین است، همچون ولادت آن

۱. عثمان خمیس کتابی با نام *مهدینا* و *مهدیههم* و هم چنین نرم افزار *نا* با نام *جعفرنا* و *جعفرهم* تولید کرده است.

حضرت(ع) درون کعبه^۱، یا انکار احادیث و روایاتی که از علمای عامه در کتابهای معتبر نقل شده تحت عنوان احادیث لم تصح فی فضل علی رضی الله عنه.^۲



همچنین تقطیع روایات و اقدام به نشر احادیثی درفضیلت شیخین و نشر آن، از دیگر اقدامات این گونه سایتهاست. سایتهایی مانند: فیصل نور، السرداب، کسر الصنم، اسلام تکس، العقیده، البرهان، المهتدون، مشکاة الاسلامیة، حقائق الرفضه، عثمان الخميس از این قبیل اند.



۱- سایت عقیده <http://aqeedeh.wordpress.com>

۲- سایت مشکاة <http://www.almeshkat.net/vb/showthread.php?p=455587>

این سایت‌ها با بهره‌گیری از کتب شیعه و تقطیع روایات، بدون توجه به سند روایات و یا ثقه بودن راویان و تمام چارچوب‌هایی که درنقل حدیث معتبرات، می‌کوشند تا فضایل حضرت علی(ع) را خدشه‌دار و کمرنگ نمایند و به فضایل ابوبکر و عمر بپردازند تا بتوانند مشروعیت تصدی خلافت این دو را با وجود حضرت علی(ع) توجیه نمایند. در برخی موارد نیز حتی اتهامات و دروغ‌هایی نیز به اهل بیت(ع) بسته‌اند تا جایگاه رفیع آنان را خدشه‌دار کنند؛ مانند:



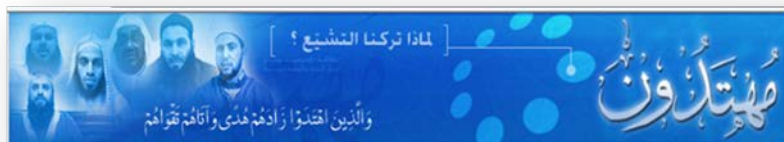
در حالی که جواب آن حضرت در ذم آنها بود، نه مدح:

وذكرت أن الله تعالى اجتبى له من المسلمين أحرافاً أيده الله بهم فكانوا في منازلهم عنده على قدر فضلهم في الإسلام فكان أفضلهم كما زعت في الإسلام وأصحهم لله ورسوله الخليفة الصديق وخليفة الخليفة القاروق ولعمري ذكرت أمراً إن تم اعتراك كله وإن نقص لم يلحقك الله (1) وما أتت الصديق؟ فالصديق من صدقاً وأبطل باطل عدونا! وما أتت القاروق؟ فالقاروق من فرق بيننا وبين أعدائنا (2).

یکی از شگردهای آنان، دروغ بستن به اهل بیت(ع) است؛ مانند:



دسته ششم: تبلیغ بر ضد شیعه با معرفی شخصیت‌هایی که از تشیع دست کشیدند و به پندار آنها هدایت شدند؛ مانند: سایت المهتدون:

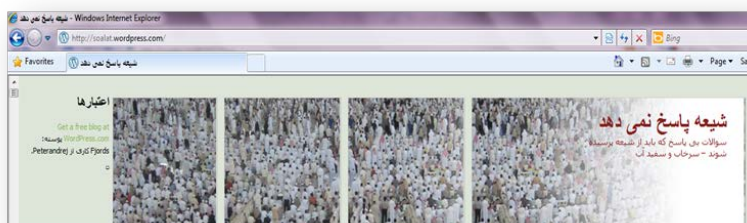


دسته هفتم: راه‌اندازی کتابخانه عظیم الکترونیکی تأسیس کتابخانه عظیم الکترونیکی ضد شیعه نیز فعالیت دیگر سایت‌های وهابی است که حاوی صدها بلکه هزاران کتاب علیه تشیع به دو زبان فارسی و عربی است؛ مانند سایت‌های کتابخانه عقیده و فیصل نور



دسته هشتم: دفاع از وهابیت وطنی در این دسته از سایت‌ها که سخنان شعار گونه را مطرح می‌کنند و می‌گویند: ما احادیث ضد قرآن را قبول نداریم. در واقع به دفاع از شخصیت‌های وابسته به وهابیت پرداخته شده؛ مانند: خرقانی، شریعت سنگلجی، میرزا یوسف شعار، حیدرعلی قلمداران، سید ابوالفضل برقعی، مصطفی طباطبایی و همه کسانی که پیرو این مشرب فکری می‌باشند و امروزه اسامی آنها به عنوان مبلغین وهابیت در ایران یاد می‌شود. در سایت اجتهادات و عقیده، کتاب‌های آنها به زبان عربی و فارسی منتشر شده است.

دسته نهم: القای عدم پاسخ گو بودن شیعه
 یک طیف دیگر از سایت‌های وابسته به وهابیت، القای این نکته است که شیعه به شبهات و سوالات جواب نمی‌دهند؛ مانند: شیعه پاسخ نمی‌دهد، و سئوالاتی که باعث هدایت جوانان شیعه شد.



برخی از سایت‌های معروف وهابیت
 در ادامه به معرفی مهم‌ترین سایت‌های وهابیت جهت مراجعه محققین این رشته می‌پردازیم:
 ۱. فیصل نور



آمار بازدید از سایت

سایت فیصل نور www.fnoor.com با بیش از شش میلیون بازدید کننده^۱ حدود سی هزار کتاب و مقاله ضد شیعی را در خود جای داده است. تمام هزینه‌های مالی این سایت هم از سوی امیر نائِب ، ولیعهد فعلی عربستان سعودی، تأمین می‌شود.

۱- از زمان تأسیس سایت تا کنون (به استناد آمار سایت فیصل نور)

۲. اسلام تکس

سایت اسلام تکس www.islamtxt.net به زبان فارسی است و با تمام توان در پی سست کردن اعتقادات شیعیان با القای شبهات است و تاکنون بیش از نهصد هزار بیننده داشته است.

شمارنده اسلام تکس
 مجموع بازدید: 913,651
 تعداد بازدید کننده: 45,668
 بازدیدکننده ها: 1840
 امروز: 24776
 این ماه: 110681

مجموع و عاشورا بر اسلام و تشیع

دانشگاه محققان اهل سنت شامل 296 مقاله و 277 سوال و جواب تا تاریخ 15/07/1390 (90 14 7)

تیمه ساری: فقط از طریق سایت انجمن تشیع نیستم، تشیع نیگاری هم این صفت را دارند!

5 دی 1389 با واریج، جوادیه دوست، خندان را به دوستی منگود، خود مهربان کنید، چه میگوید؟ میگویم این احمد دوستم است، پیرش کارخانه دار و خوشی هم در آموزشگاه بزرگ سمن، خدای مخلوق، نفس برک مغزی به دگرگردد، برصنه ترس جانش را فرساید، و اما هرگز نمیگویم این 18 احمد دوست، خدای بود، سنگ را دوست دارا اینکه صفت ضد خلی ها بود، سنگ را دوست دارید...

انجام وظایف
 شعار برای
 مخالفت با
 قرآن و سنت

فرستادن به
 گروه‌های تلگرام
 و واتس‌آپ
 به دوست

کتابخانه اسلام تکس

جدیدترین مقاله ها

89/10/05	شبهه میگوید فقط الله علیم بذات الصدور نیست، اشخاص دیگری هم این صفت را دارند!!
89/10/01	دروغ های شناختن ملایان شبهه درباره رنده شدت مرده
89/09/29	سندی بر خرافات اسلام در برابر ملحدین و منافقین و مذبذب ها
89/09/27	جوابی به شبهه و به ملحد درباره واقعه کربلا
89/09/26	محرم و عاشورا و فرهنگ عزاداری
89/09/24	شبهه و عاشورا
89/09/22	محرم شناسنامه اسلام
89/09/20	به صفت دادن نوزاد، یکی دیگر از دست آوردهای ملایان شبهه!
89/09/19	یک کاربرد عجیب صیغه در نزد شبهه ها
89/09/15	شبهه روافض(پادشاه لاری) عمر محنت بوده است!
89/09/14	اسارت زنان ایرانی به قیوک آخوندها
89/09/11	بهارگی علمای شبهه در برابر این آیه قرآن
89/09/10	حاجت آشکار حکومت ملایان شبهه در حق اهل سنت
89/09/04	سوالانی که باعث هدایت شبهات شد (7)
89/08/21	شبهه می گویند: اهل سنت هم در اثبات "تحریف قرآن" کتاب نوشته اند!

جدیدترین سوال ها

89/09/24	آیا بریدیان در بعد از ظهر عاشورا، حجاب را از سر اهل بیت جسیبی برداشتنند؟
89/09/23	آیا در روز عاشورا اهل بیت جسیبی رضی الله عنه اب تشنه بودند؟
89/09/23	موضوع علمای بزرگ شبهه در قبال بوجه سربانی چیست؟
89/09/18	آیا فخر بنی هاشم مهتر است یا حضرت ابراهیم؟ عبد فخر مهم تر است یا روز غدیر؟
89/09/16	وهابی کیست و آیا این تیمه دشمن اهل بیت بود؟
89/09/13	آیا مومنی حق دارد در بین شبهه ها بعه بنماید؟
09/09/09	ابطال طلب مسلمانان بود یا کافر؟
89/09/08	چرا الله را با جنگ با خودش دانسته است؟
89/09/08	مفهوم کیست؟ (3)
89/09/06	مفهوم کیست؟ (2)
89/09/03	مفهوم کیست؟ (1)
89/09/02	چرا نام امامان دوره گانه در قرآن مجید نیامده است؟
09/08/29	موضوع شبهه در مورد "توری طبرسی" و کتاب "فصل الخطاب" چیست؟
89/08/28	چه کسی مفهومی است؟ حضرت عمر با لغت فرستندگان به عمر؟
89/08/24	آیا حضرت علی یک تنه در روز غدیر را از جا کند و قدرت 40 مرد را داشت!!

پربیننده ترین سوال ها

- چرا مکان قبر فاطمه رضی الله عنها نامعلوم است؟ (7,275)
- آیا شمر دادنه به بزرگسالان حایر است؟! (6,053)
- از 313 نفر باران امام زمان (عج) چند نفر زن هستند؟ (5,703)
- چرا فاطمه رضی الله عنها شایعه ذوق شد؟ (5,585)
- آیا قرآن درباره ازدواج موقت، آیه ای دارد؟ (3,886)

پربیننده ترین مقاله ها در ماه اخیر

- بزرگی عالم: شبهه در برابر این آیه قرآن (774)
- شبهه روافض(پادشاه لاری): عمر محنت بوده است! (461)

جنگ نرم



۳. عقیده

سایت کتابخانه عقیده <http://www.aqeedeh.com> کتابخانه عقیده نیز از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های الکترونیکی فارسی و عربی است که نزدیک سه میلیون بیننده دارد. در این کتابخانه، بخش‌هایی مخصوص موبایل و مخصوص کودکان و نوجوانان نیز گنجانده شده است.



۴. السرداب

سایت السرداب www.alserdaab.org حدود دو میلیون بیننده دارد و می‌توان این سایت را از سایت‌های مهم ضد شیعی تلقی کرد. تهیه و توزیع نرم افزار با عنوان «المجموعة الذهبية و المجموعة العلمية في فضح الرافضة الاثني عشرية» یکی از اقدامات آنها برای سست کردن عقاید شیعیان است که در سطح وسیع توزیع شده است.



۵. المنهج

از دیگرسایت‌های آنها به سایت شخصی عثمان خمیس می‌توان اشاره کرد که بیش از سه میلیون نفر بیننده دارد.



The screenshot shows the website 'www.almanhaj.com' with a header in Arabic. Below the header, there is a table titled 'بشاهد الموقع الان كل من:' (Who is viewing the site now:). The table lists the following countries and their respective visitor counts:

Country	Count
United States	14
unknown	10
Saudi Arabia	3
United Arab Emirates	1
Iran, Islamic Republic of	1
Russian Federation	1

Below the table, it states: 'المتواجدون الان: ٤٠ زائر' (Currently online: 40 visitors) and 'مجموع الزوار الكلي: ٣١١٨٤/٥ زائر' (Total visitors: 31184/5 visitors).

<http://www.almanhaj.com>

نکته پایانی

باید توجه داشت که علی رغم تمامی تلاش‌هایی که وهابیت افراطی در عرصه‌های مختلف علیه مذهب شیعه می‌نماید، مذهب اهل بیت(ع) در پرتو پشتوانه عظیم علمی که از ائمه معصومین به وی رسیده، در جهان و بالاخص در میان اهل سنت و حتی وهابیت به پیش می‌رود و این، نکته اصلی در افزایش تهاجمات بی‌سابقه در سالیان اخیر علیه شیعیان می‌باشد.

در سابق هرگز وهابیت افراطی یک صدم این تلاش را برای کوبیدن مذهب شیعه و شیعیان نداشته است و لابد نکاتی در این امر نهفته است که بر محققین محترم فرض است تا با موشکافی دقیق و کارشناسی علمی، لایه‌های زیرین این هجمه را مورد بررسی قرار دهند. البته به نظر می‌رسد دو امر اصلی و اخیر الحدوث در صدر این نکات قرار دارد.

اولاً پیشرفت مذهب شیعه بعد از انقلاب اسلامی ایران و شکست مفتضحانه اسرائیل به دست حزب‌الله پرافتخار و همچنین با تأسیس حکومت شیعی در عراق و افزایش تمایل و گرایش به اهل بیت در ترکیه و سایر بلاد اسلامی، وهابیت افراطی احساس خطر نموده و با تمامی توان سعی در کوبیدن پایه‌های اعتقادی مذهب تشیع می‌نماید.

ثانیاً نفوذ عوامل استعمار و مخصوصاً اسرائیل در میان علمای وهابی و سیاستمداران عرب و حمایت مالی و معنوی از فعالیت‌های ضد شیعی در میان اهل سنت افزایش شدیدی یافته است که این امر به سبب ملاحظت شدید شیعیان با منافع نامشروع استعمار در منطقه است. اما به هر حال علمای شیعه در این شرایط حساس نبای سکوت کنند و با درایت و جلوگیری از دامن زدن به اختلافات سیاسی به وظیفه سنگین خود در صیانت از ریشه‌های عمیق تشیع و پاسخگویی به شبهات و رد بر وهابیت افراطی اقدام نمایند.

آنچه در این نوشتار اشاره شد، قطره‌ای از موج عظیم هجمه و تلاش وهابیت است که در راستای تحقق اهداف ضاله‌شان فعالیت می‌کنند. پشت پرده این سایت‌ها، حمایت متولیان سرسپرده استعمار قرار دارد که با بهره‌گیری از دلارهای نفت و حمایت‌های پنهانی تمام کسانی که از ترویج عقاید افراطی بهره‌های سیاسی می‌برند،

اقدام به تأسیس و یا حمایت بی‌قید و شرط از هر فردی که قدمی در این راه بردارد، می‌کنند و این در حالی است که مراکز و ارگان‌های شیعه و حتی بزرگان، به جز عده کمی، توجه در خور شایسته‌ای به این هجوم ننموده‌اند.

هر چند تلاش ما این بود که در این مجال گزارش مبسوط آماری از سایت‌های فعال وهابیت ارائه کنیم، لکن به علت پرهیز از ترویج سایت‌های گمراه‌گر، به همین مقدار بسنده کردیم. امیدواریم که ارائه این گزارش تحرکی جدی باشد برای تمام کسانی که دغدغه مذهب دارند.

معرفی کتابخانه تخصصی

ویژه وهابیت

وابسته به مرکز پژوهشی دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام)



مرکز پژوهشی دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع)، یکی از مراکز پژوهشی است که فعالیت اصلی خویش را در زمینه شناسایی و نقد آثار وهابیت آغاز کرده است و به دلیل نیاز اساسی محققان این عرصه، به کتابخانه‌ای غنی و روزآمد، تصمیم گرفته شد که چنین مجموعه‌ای تأسیس شود. در حقیقت دشواری دسترسی به کتب مرتبط با عقاید وهابیت، باعث گردیده است تا محققان در این زمینه با مشکلاتی مواجه شوند. قیمت بسیار

گران برخی از این کتب نیز دلیل دیگری برای عدم دسترسی به این کتابهاست. البته واضح است که دسترسی محققان و عالمان شیعی به منابع اهل سنت و وهابیت، به مراتب بیشتر از دسترسی محققان اهل سنت به کتب شیعه می‌باشد. نگارنده در بازدیدی که از یکی از کتابخانه‌های مدینه^۱ داشته است، تنها چند قفسه از کتاب‌های شیعه را ملاحظه نموده است که در موضوعات مختلف جمع‌آوری شده بود.

با چنین رویکردی، تجهیز کتابخانه تخصصی در زمینه کلام اهل سنت و خصوصاً وهابیت، در این مرکز آغاز و در گام نخست اکثر کتب مرجع اهل سنت به ویژه کتب

۱. مکتبة عبدالله بن عبدالعزيز، جنب مسجد النبی (ص).

وهابیت خریداری گردید. بخش محدودی از این کتب از کتابفروشی‌های داخلی و بخش اصلی آن خارج از کشور خریداری شد. خرید مجموعه فتاوی ابن تیمیه، بن باز، محمد بن صالح العثیمین و ... مجموعه کتب ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه، فتاوی اخیر هیئت کبار علمای سعودی، نگاشته‌های متأخرین همچون البانی، قفاری، الهی و غیره از جمله آثار خریداری شده‌اند.

مجموعه کتب محمد بن عبدالوهاب نیز در این مجموعه گردآوری شده است. هم اکنون نیز کتابخانه این مرکز در حال خرید و تجهیز روزانه کتب وهابیت می‌باشد و با همکاری افرادی که در این زمینه تخصص دارند، بخش عمده کتب مورد نیاز خود را تأمین می‌نماید. بخش دیگری از کتابخانه به کتب مرتبط با پاسخ‌های علمای شیعه و سنی به وهابیت، اعم از نقدهای قدیم و جدید، اختصاص یافته است. بخش دیگری از کتابخانه نیز از کتب مرجع روایی، تاریخی، تفسیری و رجالی اهل سنت تشکیل شده است تا محققان در استفاده از منابع اصلی دچار محدودیت نباشند.

بخشی دیگر از این کتابخانه، به کتب عقیدتی شیعه اختصاص یافته است تا محققان در این باره با رجوع به کتب مرجع، برخی تحریفات یا زواید در نقل قول‌های منسوب به علمای شیعه را استخراج نمایند.

در کنار تهیه اسناد نوشتاری، توجه به کتب الکترونیک و نرم‌افزارهای جامع کتب نیز از اولویت برخوردار است؛ زیرا بخشی از کتب مورد نیاز و خصوصاً جستجو در این کتب، به نرم‌افزارهای علمی نیازمند می‌باشد. کتابخانه این مرکز، از طریق اینترنت به کتابخانه‌های معتبر دنیا متصل می‌باشد و می‌توان بدین طریق کتب مورد نظر را از پایگاه‌های این کتابخانه‌ها دریافت کرد.

علاوه بر این، محققان مرکز در صورت نیاز می‌توانند با سفارش کتاب مورد درخواست خویش، آن را از طریق مرکز تهیه نمایند تا در برنامه پژوهشی خویش به کار گیرند. هم اکنون کتابخانه نزدیک به ۲۰۰۰ جلد کتاب دارد که به صورت موضوعی، طبقه‌بندی شده است.

با توجه به محدودیت فضای کتابخانه، در حال حاضر کتابخانه و سالن مطالعه آن فقط در اختیار محققان است. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم با پذیرش محققان خارج از مرکز، زمینه استفاده آنان را نیز از کتابخانه فراهم آوریم تا این مجموعه پرسود در راه اعتلای مکتب اهل بیت(ع) و پاسخ‌گویی به شبهات، بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

معرفی کتاب



کتاب ارزشمند مفاهیم صحیح ان تصحیح نوشته محمد بن علوی مالکی یکی از کتب برجسته در زمینه پاسخ به شبهات وهابیت می‌باشد. نویسنده کتاب از معدود علمای حجاز می‌باشد که به تدریس در دانشگاه‌های عربستان و وعظ در مسجد الحرام اشتغال داشته و با شجاعتی ستودنی به نقد وهابیت پرداخته است. این

کتاب پس از توزیع با عکس العمل شدید علمای وهابی روبه‌رو گردید و نویسنده آن طرد و تکفیر شد و تحت نظر قرار گرفت. با آنکه چاپ و انتشار این کتاب ممنوع گردید، لکن در کشورهای گوناگون از جمله مصر، سوریه، امارات، پاکستان، مغرب بارها به چاپ رسید و مورد استقبال دانشمندان اهل سنت قرار گرفت.

خصوصیت منحصر به فرد این کتاب این است که مؤلف آن سال‌ها به عنوان یکی از علمای بزرگ وهابیت در مسجد الحرام به تبلیغ پرداخته و در اواخر عمر، درصدد اصلاح خطاها و برداشت‌های اشتباه خود برآمده تا دین خود را به پیامبر(ص) ادا نماید. وی تمامی پاسخ‌ها را مستند به کتب و روایات اهل سنت و جماعت کرده و حساسیت فوق العاده‌ای در انتخاب احادیث و مستندات نشان داده است.

سید محمد بن علوی در سال ۱۳۹۰ق به عنوان استاد و مدرس رسمی در دانشکده شریعت تعیین شد و مدتی نیز رئیس کمیسیون داوری مسابقات بین المللی قرآن کریم

در شهر مکه بود. نویسنده در مبارزه علمی خود با وهابیون تندرو، به برداشت‌های نادرست آنها از مفاهیم دینی، خط بطلان کشیده. وی در صفحه ۱۵۱ می‌گوید:

«وهابیان مفاهیم دینی را در خدمت مقاصد فرقه‌ای خود به کار گرفته و با سلايق شخصی و تعصبی، مسلمانان را با اندک خطایی تکفیر می‌کنند.»

این کتاب در سه باب تدوین شده است:

باب نخست: این باب مربوط به مباحثی در ناراستی عقاید و موازینی است که طبق آن موازین، حکم به تکفیر یا گمراهی دیگران می‌گردد.

باب دوم: درباره ویژگی‌های پیامبر(ص)، حقیقت نبوت، تبرک به پیامبر(ص) و آثار ایشان بحث می‌کند.

باب سوم: نویسنده در این باب درباره حیات برزخی و جایز بودن زیارت پیامبر و دیگر مشاهد مشرفه سخن می‌گوید.

بن علوی در باب اول با بیان برخی روایات درباره توسل آدم به پیامبر خاتم(ص)، مسأله توسل را مطرح می‌نماید و شواهدی نیز در این زمینه اقامه می‌کند که در آن میان حتی کلامی از محمد بن عبدالوهاب نقل شده است که می‌گوید:

برخی توسل به نیکان و صالحان را اجازه داده‌اند و برخی آن را مختص به پیامبر کرده‌اند و بیشتر علما آن را مکروه دانسته و از آن نهی نموده‌اند. این مسأله از مسائل فقهی می‌باشد و سخن درست در نزد ما همان کلام مشهور است که معتقد به کراهت شده‌اند، لکن ما کسی را که این کار را انجام داد، باز نمی‌داریم؛ زیرا در مسائل اجتهادی نمی‌توان دیگران را منکر شد.

مؤلف در ادامه روایات فراوانی درباره توسل به قبر پیامبر(ص) در زمان خلیفه دوم و راهنمایی عایشه برای توسل به پیامبر(ص) و مواردی از این قبیل را ذکر می‌نماید. روایات مورد استناد، همه از روایات صحیح اهل سنت انتخاب شده است.

در باب دوم مؤلف به تعریف تبرک می‌پردازد و می‌گوید:

بسیاری از مردم در فهم معنای تبرک، دچار خطا گشته‌اند و هر کس را که متبرک به پیامبر و آل او باشد، گمراه و مشرک می‌شمارند، لکن باید دانست

۱. مفاهیم یجب أن تصحح، ص ۸۰، دار جوامع الكلم، قاهره.

که تبرک چیزی جز توسل به خداوند سبحان نمی‌باشد، چه آنچه بدان تبرک می‌شود، اشخاص باشند یا مکان‌ها و آثار. اشخاص مورد تبرک قرار می‌گیرند؛ زیرا تبرک‌کننده بر این عقیده است که این اشخاص به خداوند نزدیک می‌باشند و بدون اذن خداوند نمی‌توانند کاری انجام دهند. آثار و مشاهد نیز چون منسوب به این اشخاص می‌باشند، می‌توانند مورد تبرک قرار گیرند و این مکان‌ها به سبب نزول رحمت و رفت و آمد فرشتگان و انجام اعمال صالح همچون نماز و دعا دارای شرافت می‌گردند، و گرنه هیچ مکانی به خودی خود شرافت و برتری ندارد.

مؤلف حدیثی را نقل می‌نماید که پیامبر پس از وضو گرفتن، آب وضوی خویش را به اصحاب داد و به آنان امر فرمود که هنگامی که به دیارشان باز گشتند، این آب را در مکانی بریزند و در همان محل، مسجدی بنا کنند. این اقدام پیامبر چه معنایی دارد، مگر اینکه آن حضرت از شرافت این آب مطلع بوده و از اسرار این آب خبر داشته است و این چیزی جز تبرک به آثار پیامبر نخواهد بود.

نویسنده در ادامه حدیثی از عثمان بن عبدالله بن موهب به نقل از بخاری نقل می‌کند که مردم به موی پیامبر که در نزد ام سلمه نگهداری می‌شد، تبرک می‌جستند.^۱ مؤلف نمونه‌های دیگری هم ذکر می‌کند؛ مانند تبرک به خون پیامبر، به دست کسی که پیامبر را لمس کرده است، تبرک به جای بوسیدن پیامبر، تبرک به محل نماز، لباس، جای پا، منبر و قبر پیامبر، که همگی بر بطلان قول مخالفان تبرک دلالت دارند.

در باب سوم مؤلف روایاتی را در تأیید حیات برزخی اقامه می‌کند و حیات خاصی را نیز برای پیامبر(ص) اثبات می‌نماید. در حدیثی از عمار بن یاسر از پیامبر(ص) نقل شده است که می‌فرماید:

خداوند ملکی را بر قبر من وکیل کرده است که نام همه خلائق را از جانب خداوند فرا گرفته است و هر کس تا روز قیامت بر من سلام دهد، برای من خیر می‌آورد که این شخص فرزند فلان بر تو صلوات فرستاده است.

در روایات دیگر آمده است که خداوند به ازای هر سلام بر پیامبر، ده سلام بر شخص سلام‌دهنده می‌فرستد. از سنن د/رمی نیز نقل است که در ایام واقعه حرّه که سه روز در مسجد اذان گفته نمی‌شد، اوقات نماز با هممه‌ای که از قبر پیامبر شنیده می‌شد، مشخص می‌گردید. این موارد و شواهد فراوان دیگر بر حیات اخروی پیامبر دلالت دارند.

به عبارت روشن‌تر، برخی از صاحبان این اندیشه‌های بی‌دلیل، دایه مهربان‌تر از مادرند و از محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه، وهابی‌تر. باید این نوع تفسیر مفاهیم دینی، اصلاح شود و محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه نیز همانند دیگر علما اگر نظرشان مطابق کتاب و سنت بود، قابل احترام می‌باشند و در غیر این صورت، قابل نقدند. اگر آنان اجتهاد داشتند ما نیز اجتهاد داریم و چنین نیست که نظر آنان را به صورت مطلق بپذیریم.

مؤلف کتاب بیش از شصت کتاب و جزوه تألیف نموده است که دو کتاب او با نام *الدّخائرُ المحمّديه و مفاهیمُ یجبُ أن تُصحّح* در رد عقاید وهابی‌های تندرو به نگارش درآمده است. این کتاب مورد استقبال مسلمانان واقع شده است. بر کتاب مفاهیم او بیش از پنجاه دانشمند مسلمان تقریظ نوشته‌اند.

کتاب‌هایی نیز در واکنش به این کتاب نگاشته شده است که از آخرین نوشته‌ها، کتاب *هنده مفاهیمنا* نگارش شیخ صالح آل‌الشیخ است.

پس از نگارش کتاب مزبور، مجمع علمای عربستان در بیانیه‌ای از محمد بن علوی خواست تا در حضور ایشان از نوشته‌های کفرآمیز و بدعت‌آلود خود توبه کند تا توبه او از تلویزیون پخش شود، لکن او در پاسخ آنان، پیشنهاد مناظره تلویزیونی داد که بی‌پاسخ ماند.

این کتاب با عنوان *وهابیت و بازنگری از درون* توسط خانم انسیه خزعلی از سوی نشر مشعر در ۱۶۸ صفحه ترجمه شده است. همچنین آقای محمد بانه‌ای نیز این کتاب را ترجمه کرده است.